

عنوان مقاله: علل محقق نشدن اهداف برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در توسعه تعاونی‌ها

سعید صفری^۱

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

چکیده:

بخش تعاون به عنوان یکی از سه رکن اصلی اقتصاد کشور معرفی شده است و به موجب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سهم بخش تعاونی در اقتصاد ملی باید تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور به ۲۵ درصد برسد. این در حالی است که اکنون ۷ درصد از این سهم محقق شده است. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا شناخت بیش‌تری از دلایل، زمینه‌ها، فرایندها، و پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها ارائه شود. از این‌رو، در ابتدا اسناد موجود در وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی با استفاده از نمونه‌گیری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؛ در ادامه، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و آزاد با مدیران، کارکنان، و خبرگان تعاون در کشور، داده‌های لازم گردآوری و تنظیم می‌شوند. واحد تحلیل در این پژوهش، تعاونی‌های فعال در حوزه‌های گوناگون است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که چالش‌ها و مشکلات عمومی و زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور به عنوان «شرایط زمینه‌ای»؛ مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها، نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی، و ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها به عنوان «شرایط علی»؛ چالش‌های تعاون در عرصه بین‌المللی و چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها به عنوان «شرایط میانجی»؛ نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی و پیدایش تعاملات نابهنجار «فرایندها»؛ و صدمه دیدن ساختار تعاونی و ظهور بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها به عنوان «پیامدها»ی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها به شمار می‌روند. در پایان، مفهوم «فرسایش سرمایه اجتماعی - انسانی عامل رکود اقتصادی تعاونی‌ها» به عنوان «مقوله هسته‌ای» شناسایی شد. این پژوهش، دارای راهکارها و توصیه‌های اجرایی و پژوهشی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها، موانع توسعه تعاونی‌ها، نظریه زمینه‌ای، برنامه پنجم توسعه، رکود اقتصادی تعاونی‌ها.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
saedsafari@modares.ac

مقدمه

انسان‌ها بدون همیاری و همکاری^۱ در قالب تعاون، قادر به ادامه حیات به شکل مطلوب نیستند (فرهادی، ۱۳۷۳). تعاون به معنای تشریک‌مسابی و همکاری در جهت ارضای نیازهای مشترک انسان‌ها و یکی از مهم‌ترین کنش‌های متقابل پیوسته^۲ محسوب می‌شود. تعاون مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتار و اصول راهنمای زندگی فردی و اجتماعی، و طریقه‌ای برای زندگی و فلسفه‌ای برای حیات انسانی است. تعاون دارای کارکردهای متعدد اخلاقی، حل مشکلات زندگی، تامین سلامت جامعه، و رفاه اجتماعی است که در تضعیف نابرابری و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی نقش موثری دارد و به منزله نهادی مردمی، عامل تشویق مشارکت‌های مردمی و حضور فعال و مستمر در فعالیت‌های اجتماعی شناخته می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰). اشتغال و دسترس‌پذیر بودن فرصت‌های مناسب شغلی یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه‌ای به شمار می‌رود؛ به همین منظور، یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی است (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۶). در ماده (۸۰) از بند «ج» مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، در راستای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش نوسان منطقه‌ای، و توسعه مشاغل نو، به بخش تعاونی نگاه ویژه‌ای شده است. توسعه تعاونی‌ها می‌تواند به توزیع عادلانه ثروت، ریشه‌کن کردن فقر، اختلاف طبقاتی، افزایش بهره‌وری توزیع و تولید، اشتغال مولد، تقویت کارآفرینی و مدیریت، و تمرکز سرمایه‌های کوچک در قالب سرمایه‌های متوسط و کلان منجر شود (انتظاریان و سنجری، ۱۳۹۲؛ لاچینی، ۱۳۸۸؛ نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۵). امری که در اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز بر آن تاکید شده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی، و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است» (قانون اساسی ج. ا. ا، ۱۳۸۸، ص ۴۵). با وجود کمک‌ها و حمایت‌های دولتی، بخش تعاون کشور آنچنان که شایسته است، نتوانسته نقش اساسی در توسعه کشور ایفا نماید؛ به نحوی که مطابق با بند «ب» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) سهم تعاونی‌ها در اقتصاد کشور تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه باید به ۲۵

1. Cooperation
2. Continuous Interactions

درصد می‌رسید (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۳). البته، برای تحقق این سهم در سند ملی توسعه بخش تعاون، پیش‌فرض‌هایی در نظر گرفته شد که با وجود برنامه‌ریزی‌های به‌عمل‌آمده در این سند، سهم پیش‌بینی‌شده تعاونی‌ها در اقتصاد کشور محقق نشد (عبدی و کهن هوش‌نژاد، ۱۳۹۵). از جمله دلایل محقق نشدن برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای تعاونی‌ها می‌توان به درک نادرست از مفهوم تعاونی در کشور، حمایت نکردن و نداشتن ضمانت مشخص از تعاونی (صفری، ۱۳۹۷)، ضعف فرهنگ تعاون در ایران (درویشی‌نیا، ۱۳۷۹)، ضعف در توسعه منابع انسانی (هادی‌زاده بزاز و همکاران، ۱۳۹۲)؛ ضعف در دانش فنی و تکنولوژی (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۳)، بی‌ثباتی و شفاف نبودن قوانین مربوط به فعالیت تعاونی‌ها (مهری و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره نمود.

تعاونی‌ها به عنوان سازمان‌هایی که از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت‌اند، از بستر فرهنگی محیطی که در آن اقدام به فعالیت می‌کنند، تاثیر بسیاری می‌پذیرند (Sethi, 1979; Gugler & Shi, 2009). با مروری بر ادبیات موجود در حوزه مدل‌های توسعه می‌توان دریافت که دانش تدوین مدل‌های بومی و مبتنی بر زمینه اجتماعی در کشورمان مورد توجه چندانی قرار نگرفته است (بوزرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴). لشکری و همکاران (۱۳۸۶)، در پژوهش خود نشان می‌دهند که در مطالعه توسعه تعاونی‌ها، زمینه اجتماعی آنچنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه بر این، می‌توان ادعا نمود که مطالعه مولفه‌های جزئی محقق نشدن تعاونی‌ها بر اساس تجربه زیسته افرادی که سابقه فعالیت در بدنه اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها را دارند، امری است که در پژوهش‌ها مورد غفلت واقع شده است. از طرف دیگر، روش‌های تحقیق کیفی به‌طور عام و روش نظریه زمینه‌ای به‌طور خاص، مطالعه بستر اجتماعی را برای فهم بهتر پدیده‌ها مورد توجه قرار داده‌اند (Cassell & Symon, 2004; Charmaz, 2005)؛ بنابراین، در این پژوهش برای دستیابی به مدل بومی علت‌های محقق نشدن برنامه پنجم توسعه در توسعه تعاونی‌ها که در پژوهش‌های پیشین، مورد توجه قرار نگرفته است، زمینه‌ها، فرایندها، و پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها و محقق نشدن برنامه‌های پنجم توسعه در این بخش از اقتصاد کشور مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه مانند هند و مصر، اقتصاد بخش تعاون به عنوان هدف توسعه و در بخشی دیگر از کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، به مثابه اصلی‌ترین ابزار توسعه و محرومیت‌زدایی در نظر گرفته می‌شود. به نحوی که در فصل چهارم قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران تاکید شده است که «برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کنی فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انجام امور اقتصادی به شکل تعاونی یکی از روش‌های مناسب برای تامین عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر و محرومیت و نیل به استقلال اقتصادی است» (قانون اساسی ج. ا. ا، ۱۳۸۸، ۱۲-۷). با توجه به نقشی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تعاونی‌ها در نظر گرفته است، در ادامه به نظریه‌های مرتبط با تعاونی‌ها و توسعه اقتصادی می‌پردازیم.

تعاونی و توسعه اقتصاد داخلی

کارشناسان، تعاونی‌ها را به دو دلیل برای اجرای برنامه‌های توسعه مناسب می‌دانند: نخست آن که موسسه‌های تعاونی با جمع‌آوری پس‌اندازهای اندک اعضا و حمایت‌های مالی دولت و با سرمایه‌گذاری، تولید، و آموزش اعضا که به ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی منجر می‌شوند، موجبات افزایش تولید، اشتغال، و رشد اقتصادی جامعه را فراهم می‌آورند (فرج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ شمشاد و همکاران، ۱۳۹۰). دوم، بخش تعاون به دلیل رویکردهای اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی خاص خود که الهام‌گرفته از اصول و ارزش‌های تعاون هستند با ساختار کشورهای در حال توسعه هماهنگی و همخوانی بیشتری دارد (Ferdausy & Rahman, 2009; Gilson, 2007) و زمینه‌های توسعه سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی را در جوامع فراهم می‌کند (Elkington, 1994; Boutilier, 2017). در واقع بستر و زیرساخت را برای رشد اقتصادی مهیا می‌کند و این موارد، در نهایت، جامعه را به سوی توسعه همه‌جانبه و پایدار رهنمون می‌سازد (خفایی، ۱۳۸۸).

تعاونی‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای تسهیلات دولتی برای توسعه اقتصاد محلی در جوامع توسعه‌نیافته به شمار می‌روند. سازمان جهانی کار^۱ بر این نکته تاکید می‌کند که توسعه اقتصادی داخلی، جوامع محلی را توانمند می‌سازد و گفت‌وگوهای محلی را به وجود می‌آورد و با این کار، نهادهای محلی را شفاف‌تر و پاسخگوتر می‌کند؛ بنابراین، در گسترش جامعه مدنی محلی مشارکت می‌کند (Nel & Rogerson, 2005). تعاونی‌ها بر اساس طبیعتشان یک ابزار حیاتی برای توسعه اقتصاد محلی هستند. توسعه اقتصاد محلی این‌گونه معنا می‌شود که مسائلی که جوامع با آن‌ها روبرو هستند، همانند بیکاری، فقر، تخریب محیط‌زیست، و کاهش کنترل جامعه می‌توانند به وسیله حرکت‌های مردم عادی به بهترین نحو پاسخ داده شوند (Mensah et al., 2013). مکانیسم حمایت تعاونی‌ها از گروه‌های ناتوان بدین‌گونه است که این نهاد به‌طور کارآمد می‌تواند موانع بازار

1. International Labour Organization (ILO)

را که بر سر راه حضور فعالیت‌های اقتصادی گروه‌های ناتوان کشورهای در حال توسعه و در حال گذار قرار دارند، از راه ایجاد فرصت فروش‌های عمده، دسترسی بیش‌تر به اطلاعات و شبکه‌ها، آموزش مهارت‌های جدید به اعضا، استفاده از فناوری‌های جدید، و بالا بردن قدرت چانه‌زنی کاهش دهند (Bennedsen & Wolfenzon, 2000; Kristensen & Lilja, 2011; Scramp, 2007). از جایگاه نظری، تعاونی‌ها راه‌حلی را ارائه می‌دهند که توسعه محلی بتواند تسهیل شود. در وهله اول، تعاونی‌ها به عنوان یک عامل توسعه اقتصادی به وسیله ایجاد فرصت‌هایی برای درگیری مستقیم جوامع و رهبران‌شان در مبارزه با فقر عمل می‌کنند (Kolk & van Tulder, 2006). در خصوص ارتباط میان توسعه اقتصادی و تعاونی‌ها می‌توان گفت که تعاونی‌ها در سطح محلی، ظرفیت ایجاد اشتغال را در صنایع دستی، کشاورزی، تولید و بازاریابی، گردشگری، و خانه‌داری به وجود می‌آورند (Battilani & Schröter, 2012). علاوه بر این، تعاونی‌ها تمایل به مشارکت در کارهای داوطلبانه با منافع جمعی را در سطح محلی تقویت می‌کنند. تعاونی‌ها توازنی میان منافع جمعی در برابر منافع شخصی ایجاد می‌نمایند که می‌تواند به بهبود عملکرد تجاری و افزایش منفعت اعضا از راه ایجاد خدمات متمایزکننده به مصرف‌کننده‌ها/ اعضا منجر شوند (Fulton & Ketilson, 1992). مشارکت تعاونی‌ها در ارتقای اشتغال کامل و مولد دارای جنبه‌های بسیار متعددی است؛ بدین‌گونه که تعاونی‌ها می‌توانند برای اعضای خود اشتغال مستقیم را از مسیر خودیاری و تعهد سازمانی نسبت به اعضا فراهم آورند. علاوه بر اشتغال مستقیم، تعاونی‌ها دارای قدرت ایجاد اشتغال غیرمستقیم و انگیزشی نیز هستند، بدین نحو که کسب‌وکارهایی که مواد اولیه (کالا یا خدمات) را برای تعاونی‌ها فراهم می‌آورند، رونق می‌گیرند. همچنین، تعاونی‌ها با ارائه خدمات آموزشی و پرورشی، توانایی‌های کارآفرینی اشتغال‌زایی را در میان اعضای خود ارتقا می‌دهند؛ که این امر به‌ویژه از راه ظرفیت‌سازی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه گروه‌های منزوی‌شده در بطن جامعه، از جمله زنان، محقق شده است؛ و نمونه تحقق‌یافته این امر تعاونی‌های صنایع لبنی کشور هند هستند (Rao, 2004). علاوه بر این، تعاونی‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی همیار، در حوزه‌هایی که کم‌تر مورد توجه و حمایت دولت‌ها و دیگر موسسه‌های تجاری خصوصی قرار گرفته‌اند، به ایجاد فرصت‌های شغلی مورد نیاز می‌پردازند. رشد تعاونی‌ها در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی و دوره‌های مفرط بیکاری بیانگر این نکته است (عبدی و کهن هوش‌نژاد، ۱۳۹۵).

مشکلات و موانع توسعه تعاونی‌ها

در ادبیات داخلی مرتبط با یافته‌های پژوهش، کرمی و آگهی (۱۳۸۹) نشان دادند که بین وضعیت موجود تعاونی‌ها و وضعیت مطلوبشان تفاوت معناداری وجود دارد. از جمله عوامل اثرگذار در پدید آمدن این شکاف، می‌توان به عوامل فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، آموزشی، و مدیریتی اشاره نمود. یافته‌های پژوهش دولتی و همکاران (۱۳۹۱) بیان می‌کنند که دخالت دولت در امور اجرایی تعاونی‌ها و تسهیلات بانکی ناکارآمد از مهم‌ترین عوامل رکود تعاونی‌های روستایی هستند. رشیدی فرد و همکاران (۱۳۹۶) تاکید می‌کنند که کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش تعاونی‌ها از مهم‌ترین موانع رشد و شکوفایی این بخش هستند. یافته‌های پژوهش حیدری ساریان (۱۳۹۱) نشان‌دهنده این امر است که مولفه‌های بهبود مدیریت داخلی، توانمندی‌های مشارکتی و انگیزشی، بهبود توانمندی‌های اقتصادی، و بهبود آموزش و نظارت، وجه ممیزه تعاونی‌های موفق کشاورزی در پارس‌آباد با دیگر تعاونی‌ها بوده است. حیدری و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که در رشد و شکوفایی تعاونی‌ها وزن عوامل اقتصادی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی غلبه دارد. مجردی و همکاران (۱۳۹۲) به‌سختی‌شناسی عوامل موثر بر موفق نبودن تعاونی‌ها در این شهرستان و همچنین تعیین میزان اهمیت هر یک از این عوامل پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که ضعف بنیه مالی اعضا، دوری از بازارهای مصرف، نوسان شدید قیمت نهاده‌ها مانند عوامل اقتصادی، قطع یارانه‌های دولتی، توزیع نامناسب و بدون برنامه نهاده‌ها مانند عوامل مدیریتی، مشکل تامین وثیقه‌های بانکی، اعمال شیوه‌های سنتی تولید مانند مشکلات سازمانی، و حضور دلالتان و کمبود نیروی متخصص، از عوامل اجتماعی موثر بر رکود تعاونی‌های دامپروری شهرستان خدابنده هستند. یافته‌های پژوهش بذرافشان و شاهین (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌های تولیدی، گرایش تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزشی اعضای تعاونی، محدودیت سرمایه، اعتماد محدود یا بی‌اعتمادی اعضا به تعاونی، و نبود قوانین مشخص در خصوص تعاونی‌ها از مهم‌ترین عوامل موثر در رکود تعاونی‌های تولید روستایی ایران هستند. یزدانی (۱۳۹۶) اجرایی نشدن سندهای توسعه تعاونی، حمایت نشدن از توسعه تعاونی‌ها در مقایسه با شرکت‌های سهامی عام، و تامین نکردن اعتبارهای مالی مربوط به قوانین حمایتی از تعاونی‌ها را از موانع توسعه تعاونی‌ها می‌داند.

در ادبیات خارجی مرتبط با موانع توسعه تعاونی‌ها، روسو و همکاران^۱ (۲۰۰۰) عواملی مانند روحیه فردگرایی، همکاری نکردن اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در اعضا، ناآگاهی و غفلت اعضا

1. Russo et al

از اصول تعاون، و پایبند نبودن اعضا به تعاونی را از عوامل اصلی موفق نبودن تعاونی‌ها معرفی می‌کنند. نودکویچ^۱ (۲۰۰۸) بی‌توجهی به ارزش‌ها و اصول تعاونی را عامل اصلی در کمرنگ‌شدن نقش شرکت‌های تعاونی در حمایت از کارآفرینی اجتماعی می‌داند. لامپکین و دس^۲ (۱۹۹۶) ریسک‌پذیری، پیشگام بودن، و نوآوری در کارها را از عوامل اثرگذار در موفقیت تعاونی‌ها معرفی می‌کنند. به اعتقاد رابرتسون و همکاران^۳ (۲۰۰۳) موفق نبودن در کسب‌وکارهای جدید و کارآفرینانه، به ناآگاهی و مهارت‌هایی مرتبط می‌شوند که ناشی از کسب نکردن دانش شغلی جدید است. کسب‌وکارهای جدید و کارآفرینانه به مهارت‌های مفید ارتباطی، ارتباط و تعامل با جامعه (مشتریان)، ارتباط و تعامل با سایر تعاونی‌های تولیدی، و استفاده از تجارب آنان برای رسیدن به موفقیت از مسیر فضای متحول تجاری و رشد تعاونی‌ها نیازمندند. دیگر پژوهشگران با اولویت قرار دادن سهم عوامل اجتماعی و فرهنگی بر عوامل اقتصادی، به نقش کیفیت سرمایه انسانی تعاونی‌ها در رشد و شکوفایی آن‌ها تاکید می‌کنند (Ibitoye, 2012; Idris & Abdullah, 2011). در جمع‌بندی ادبیات تجربی که درباره مشکلات و موانع توسعه تعاونی‌ها به انجام رسیده‌اند می‌توان گفت که با در نظر گرفتن یافته‌های پیشین، موانع توسعه تعاونی‌ها را می‌توان به دو مجموعه درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم نمود.

چالش‌های درون‌بدنه تعاونی‌ها در آینه پژوهش‌ها شامل چالش‌هایی مربوط به عرصه‌های تولیدی و فروش، سرمایه انسانی و اجتماعی، آموزش، آگاهی، و مشکلات مدیریتی هستند. منظور از چالش‌های تولیدی و فروش مشکلاتی هستند که تعاونی‌ها در امکانات اولیه تولید و فروش مانند سرمایه و نقدینگی در دسترس برای خرید مواد اولیه و نیروی انسانی باکیفیت، سطح کاربری کوچک، بازاربایی نامناسب، و ضعف امکانات فنی و تکنولوژیک با آن مواجه هستند (از کیا، ۱۳۷۴؛ حیدری ساربان، ۱۳۹۱). ضعف سرمایه انسانی و اجتماعی به یکی از مشکلات عمده اشاره دارد که تعاونی‌ها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در این زمینه، تعاونی‌ها از کمبود نیروی ماهر و متخصص، نداشتن روحیه انعطاف‌پذیری و کارآفرینی در اعضا، ضعف انگیزه حمایتی و تولیدی، بی‌اعتمادی به نهادهای تعاونی، و مشارکت ضعیف اعضا در امور تعاونی دچار آسیب می‌شوند (Bhuyan, 2000; Russo et al., 2000) و همچنین نگاه کنید به فیض‌آبادی و محمدنیا، (۱۳۸۷). چالش‌های مربوط به آموزش و آگاهی در تعاونی‌ها به ضعف آموزش و آگاهی در خصوص تعاون و اصول آن، ضعف دانش تخصصی در حیطه فعالیت تعاونی، نگرش منفی اعضا به تعاونی، ضعف آگاهی از قوانین و مقررات تعاونی، و ضعف تخصص و آگاهی مدیران تعاونی

1. Novkovic
2. Lumpkin & Dess
3. Robertson et al

اشاره دارد (Shufang & Apedaile, 1998; Novkovic, 2008) و همچنین نگاه کنید به احمدپور و همکاران، ۱۳۹۳؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۰). در نهایت، منظور از مشکلات مدیریتی تعاونی‌ها، فقدان مدیران متخصص، شیوه و کیفیت نامطلوب مدیریتی، و اهتمام نداشتن به توسعه منابع انسانی و ارتباط با سایر بخش‌ها است (هادی‌زاده بزار و همکاران، ۱۳۹۲؛ مظفر امینی و رضانی، ۱۳۸۵؛ نکویی نائینی، ۱۳۸۹).

چالش‌های خارج از بدنه تعاونی‌ها، چالش‌ها و مشکلاتی هستند که ریشه در مسائل کلی کشور دارند. اهم این مشکلات در آیین پژوهش‌ها شامل ضعف در سیاست‌های حمایتی و برنامه‌ریزی نامطلوب و ضعف فرهنگ تعاون در کشور است (کوهی، ۱۳۸۸). در خصوص ضعف سیاست‌های حمایتی و برنامه‌ریزی نامطلوب می‌توان گفت که در این زمینه مشکلاتی مانند نبود سیاست‌های عمل‌گرایانه در حوزه تعاون، تصمیم‌گیری‌های متمرکز و بیرون از تشکیلات تعاونی‌ها، و کاهش حمایت‌های دولتی وجود دارند که این حمایت نکردن، همراه با سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت، به تشدید مشکلات تعاونی‌ها منجر شده‌اند (کرباسی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کرمی و آگهی، ۱۳۸۹؛ و همچنین Banturaki, 2000). در نهایت، ضعف فرهنگ تعاون در کشور، ضعیف بودن روحیه دیگریاری و گرایش به فعالیت جمعی در بین اعضای جامعه به‌ویژه جوانان است (حیدری ساربان، ۱۳۹۱؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۰؛ و همچنین USAID, ۲۰۰۳).

پژوهشگران گوناگون داخلی و خارجی به عوامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مختلفی که مانع توسعه تعاونی‌ها می‌شوند، اشاره می‌کنند. برخی از پژوهشگران، بر اولویت عوامل اقتصادی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه تعاونی‌ها تاکید می‌کنند (رشیدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶) و برخی نیز سهم عوامل اجتماعی و فرهنگی را در شکوفایی تعاونی‌ها پربرتر از عوامل اقتصادی در نظر می‌گیرند (Ibitoye, 2012; Idris & Abdullah, 2011). با توجه به شرایط اقتصادی ایران، تعیین اولویت این عوامل جهت برون‌رفت تعاونی‌ها از رکود فعلی بسیار دارای اهمیت است. چراکه اگر به اولویت عوامل اقتصادی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی باور داشته باشیم، تعاونی‌ها برای شکوفایی باید منتظر بهبود شرایط اقتصادی کشور بمانند؛ در صورتی که اولویت داشتن عوامل فرهنگی و اجتماعی بر عوامل اقتصادی در شکوفایی تعاونی‌ها به این معناست که نه‌تنها شکوفایی تعاونی‌ها وابسته به شرایط اقتصادی کشور است، بلکه خود تعاونی‌ها راه‌حلی برای برون‌رفت از وضعیت اقتصادی نابسامان هستند.

۱. البته این امر نقض‌کننده اصل چهارم از اصول اتحادیه بین‌المللی تعاونی‌ها یعنی اصل خودمختاری و استقلال تعاونی‌ها است.

به دلیل اهمیتی که تعاونی‌ها در برطرف کردن مشکلات اقتصادی مزمن دارند و همچنین، ضرورت تحقق برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در کشور، در این پژوهش، موانع توسعه تعاونی‌ها در کشورمان با استفاده از رویکردی کیفی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. همان‌طور که در پیشینه پژوهش اشاره شد، از مهم‌ترین پیامدهای افول تعاونی‌ها، مشکلات عمومی اقتصادی، ضعیف بودن روحیه همکاری جمعی، و ضعف در گرایش فعالیت‌های جمعی در بین اعضای جامعه است که در این پژوهش، این عوامل مورد تجزیه و تحلیل دقیق‌تری قرار می‌گیرند تا ابعاد مفهومی این مقوله‌های کلان و مکانیسمی که این مشکلات به موفق نبودن تعاونی‌ها در ساختار اقتصادی منجر شده‌اند، در قالب مدل مفهومی مبتنی بر راهبرد نظریه داده‌بنیاد آشکار شوند. همچنین، با آشکار شدن فرایندهای منتهی شده به محقق نشدن سهم پیش‌بینی شده تعاونی‌ها در برنامه پنجم توسعه اقتصادی ایران، اولویت عوامل اجتماعی - فرهنگی یا عوامل اقتصادی در برون‌رفت تعاونی‌ها از رکود موجود مشخص خواهد شد که در تدوین راهبردهای مدیریتی بسیار دارای اهمیت هستند.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی بکار رفته در پژوهش حاضر، کیفی و روش پژوهش نظریه زمینه‌ای^۱ است. منظور اشتراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۴) از نظریه زمینه‌ای «نظریه‌ای است که از داده‌ها به‌دست آمده است، به صورت نظام‌مند جمع‌آوری شده است، و از راه فرایند پژوهش تجزیه و تحلیل شده است» (ص ۲۷). فنونی که برای جمع‌آوری داده در پژوهش پایه استفاده می‌شوند، مشابه همان فنونی هستند که در اشکال دیگر پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند (بیرکس و میلز، ۱۳۹۳). کوربین و اشتراوس (۱۹۹۰) در این خصوص می‌گویند: «همانند دیگر رویکردهای کیفی، داده‌های یک نظریه زمینه‌ای می‌توانند از منابع گوناگونی گردآوری شوند. فرایند جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها می‌شوند؛ درست به میزان دیگر منابع جمع‌آوری داده‌ها شامل، نوارهای ویدئویی، روزنامه‌ها، نامه‌ها و کتاب‌ها یا هر چیز دیگری که بتواند در رابطه با پرسش پژوهش روشنایی‌هایی به‌دست دهند» (ص ۲). در پژوهش حاضر نیز از منابع گوناگون برای جمع‌آوری داده‌ها مانند اسناد موجود در وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی، مصاحبه‌های حضوری و آرشیوی استفاده شده است. برای محدود کردن حوزه پژوهش، ابتدا به نمونه‌گیری از میان اسناد موجود در این وزارتخانه پرداخته شد. در میان اسناد موجود بر اساس منطق نمونه‌گیری نظری، هشت سند انتخاب شدند. نمونه‌گیری نظری

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از اسناد بررسی‌شده به صورت مصاحبه با متولیان تعاون در کشور، پژوهشگران متخصص در حوزه تعاون، و افرادی ادامه یافت که سابقه فعالیت مستمر در تعاونی‌ها را داشته‌اند. علاوه بر مصاحبه‌های حضوری، فایل‌های مصاحبه موجود در آرشیو صداوسیما که مربوط به حوزه پژوهش بودند نیز مورد استفاده قرار گرفتند.

اطلاعات و داده‌های لازم با استفاده از تکنیک مصاحبه آزاد و عمیق جمع‌آوری شدند. نحوه مصاحبه‌های صورت‌گرفته در این پژوهش به صورت مصاحبه رودرو بوده است که مدت‌زمان متوسط هر مصاحبه ۱۱۰ دقیقه است. با توجه به استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت نمونه‌گیری نظری پیش رفت و ظاهر شدن مقوله‌های جدید نظری، راهنمای پژوهشگران برای انجام نمونه‌گیری بود. افراد مورد مصاحبه شامل مدیران، کارکنان، و خبرگان تعاون در کشور ایران و شرط ورود به مصاحبه، سابقه فعالیت، مدیریت و پژوهش در حوزه تعاونی در سراسر کشور بود. نمونه‌گیری مطابق اصول نظریه زمینه‌ای تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت، با استفاده از مقایسه‌های ثابت^۱ و کدگذاری نظری^۲ (کدگذاری باز^۳، محوری^۴، و گزینشی^۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. منظور از کدگذاری باز، روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی کردن داده‌هاست که بلافاصله با جمع‌آوری داده‌ها آغاز می‌شود. کدگذاری محوری عبارت است از سلسله‌رویه‌هایی که با آن‌ها پس از کدگذاری باز با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، به شیوه‌های جدید اطلاعات با یکدیگر ربط پیدا می‌کنند. این کار با استفاده از یک پارادایم (مدل الگویی یا سرمشق) صورت می‌گیرد که متضمن شرایط، محتوا، و راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامد است. در تعریف کدگذاری انتخابی می‌توان گفت که به روند انتخاب مقوله اصلی به‌طور منظم (سامان‌مند) و ارتباط‌دادن آن با سایر مقوله‌ها اشاره دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در جریان پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌محض گردآوری داده‌ها آغاز شد. با توجه به استفاده از تکنیک مثلث‌سازی، در این پژوهش از راه تنوع استفاده از داده‌ها (متنی، رسانه‌ای، و مصاحبه‌ای) مقایسه‌های ثابت میان هر نوع خاص از داده با انواع دیگر و همچنین، درون هر نوع داده انجام پذیرفت. با توجه به این نکته که کدگذاری، اساسی‌ترین روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای است، در وهله اول، فرایند کدگذاری با استفاده از

1. Fixed Comparison
2. Theoretical Coding
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

روش کدگذاری باز آغاز شد. با ظاهر شدن مفاهیم حاصل از کدگذاری خطبه‌خط داده‌های پژوهش، نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد که با استفاده از آن مفاهیم به‌دست‌آمده در جریان کدگذاری باز به خرده مقوله‌های مربوط به داده‌ها پیوند داده شدند. همچنین، خرده مقوله‌ها به مقوله‌های عمده مرتبط شدند (جدول ۱). در ادامه فرایند کدگذاری محوری، مقوله‌های کلی به‌دست‌آمده در جریان کدگذاری باز در قالب چارچوب مدل مفهومی تنظیم شدند که این مدل به شرایط، زمینه‌ها، راهبردها، و پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها می‌پردازد (شکل ۱).

در پژوهش حاضر، برای اطمینان از اعتبار و پایایی داده‌ها، با استفاده از تکنیک مقایسه تحلیل متن، مصاحبه‌ها و دیگر داده‌های استفاده‌شده در جریان پژوهش چندین بار مرور شدند و با مشورت از استادان روش پژوهش کیفی و تعاون، تناسب در انتخاب مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها رعایت شد. همچنین، از تکنیک «نظارت متخصص» استفاده شد (دانش و همکاران، ۱۳۹۱) و برای مشخص شدن اعتبار و پایایی شیوه پژوهش، جزوه تعیین اعتبار و پایایی تهیه شد و در اختیار مشارکت‌کنندگان و متخصصان یادشده قرار گرفت تا اعتبار «نظارت متخصص» و پایایی با استفاده از روش «مسیرنمای حسابرسی» کسب شود.

نتایج پژوهش

با انجام کدگذاری باز در حین جمع‌آوری داده‌ها، ۱۲ مقوله عمده، ۴۲ زیرمقوله، و ۴۷۵ مفهوم به‌دست آمد. با انجام کدگذاری محوری، زیرمقوله‌ها به هم و مقوله‌های عمده ربط یافتند و همچنین، نوع مقوله‌ها از حیث علی، فرایندی، و پیامدی مشخص شدند. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های عمده به‌دست‌آمده از جریان پژوهش در جدول (۱) اشاره می‌شوند.

جدول ۱: مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به دست آمده از پژوهش

نوع مقوله	مقوله عمده	زیرمقوله‌ها
شرایط زمینه‌ای	چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور	مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی، مشکلات عمومی اقتصادی، ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین، بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی، بوروکراسی
	زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور	فرسایش سرمایه اجتماعی، وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب، ضعف روحیه کار جمعی، نظام و فرهنگ اشتغال انعطاف‌ناپذیر، بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاونی
شرایط علیّ	ضعف سرمایه انسانی در تعاونی	ضعف آموزش و آگاهی اعضا، نگاه ابزاری اعضا به تعاونی، پایگاه اقتصادی پایین اعضا، مشارکت ضعیف اعضا
	مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها	منابع مالی و نقدینگی، مشکلات عرصه تولید، مشکلات فروش و بازاریابی، کمبود منابع، تجهیزات اولیه و کلیدی، مشکلات درون ساختاری اقتصادی
	نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدوّن در خصوص تعاونی	جایگاه نامشخص تعاونی، درک نادرست از تعاونی‌ها، بی‌توجهی به تعاونی‌ها
	چالش‌های تعاونی در عرصه بین‌الملل	سیاست‌های تجاری نامطلوب، ضعف رقابت با بخش خارجی، چالش‌های سیاسی در عرصه بین‌الملل
	چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها	تدوین قوانین نامناسب، نبود استقلال در وضع قوانین، ضعف نهادینه‌سازی و اجرای قوانین، نقض قوانین موجود
فراپندها	نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی‌ها	نگاه تب‌مالتی به تعاونی، نبود حمایت مشخص و مدوّن از تعاونی‌ها
	پیدایش تعاملات نابهنجار	پیدایش رانت، پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه
پیامد	صدمه دیدن ساختار تعاونی	تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری تعاونی، تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بدنه تعاون
	ظهور بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها	زیان مالی اعضا، ناامیدی اعضا به نهاد تعاون، رسوخ نگرش منفی نسبت به فعالیت تعاونی‌ها

بخش یافته‌ها از سه بخش تشکیل شده است. در ابتدا، شرایط شکل‌گیری توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها شرح داده می‌شود. سپس تعاملات، و در نهایت، پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها شرح داده می‌شوند.

شرایط علی، زمینه‌ای، و مداخله‌گر

شرایط زمینه‌ای

مجموعه‌ی خاصی از شرایطی است که در یک‌زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه‌ی مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای به ما می‌گویند که چرا پدیده‌ای در برخی ابعاد دارای ویژگی خاصی است و در برخی ابعاد دیگر از آن ویژگی برخوردار نیست (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، «چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور» و «زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور» به عنوان شرایط زمینه‌ای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها مطرح می‌شوند، چراکه توضیح‌دهنده‌ی زمینه‌های به وجود آمدن «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها»، «مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها»، و «نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی‌ها» هستند. در ادامه به شرح هر یک می‌پردازیم.

چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور

«چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور»، چالش‌ها و مشکلات ناشی از فضای کلی اداری، اقتصادی، و اجتماعی کشور است که در سه بخش اقتصادی خصوصی، دولتی، و تعاونی می‌توانند مشکلاتی جدی به بار آورند. این چالش‌ها در چهار محور مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی، چالش‌های عمومی اقتصادی، بی‌تعادلی در برنامه‌ریزی و نهادهای اجرایی، و بوروکراسی در مناسبات کشور قرار می‌گیرند. در تشریح مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی می‌توان گفت که ساختار کلی اقتصادی کشور به صورتی است که بیش‌تر متکی به حضور پررنگ دولت در مدیریت درآمدهای نفتی است. طبق نظریه مکتب ضابطه رقابتی می‌توان گفت که اقدام یک‌جانبه دولت در تشکیل تعاونی، به افول انگیزه مشارکت شهروندان منجر می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۷۹). بنابراین، می‌توان گفت که هرچه میزان سلطه و نفوذ دولت گسترده‌تر و وسیع‌تر باشد، زمینه فعالیت دیگر نهادهای اقتصادی مانند بخش تعاونی‌ها کمتر می‌شوند. در این زمینه، یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «در حال حاضر، دولت باید کوچک شود، چون اگر می‌خواهند که بخش تعاون رشد کند باید میزان نقش اقتصادی پررنگ دولت کم‌تر شود تا به بخش‌هایی مانند تعاونی افزوده شود».

بیش‌تر چالش‌های عمومی اقتصادی را می‌توان بی‌ثباتی در بازارهای مختلف و رکود اقتصادی دانست. مصاحبه‌شونده‌ای در این خصوص بیان می‌کند: «اگر بازار پول و سرمایه خوب نچرخد،

تلاطم‌هایی که در بازار بورس و سرمایه به وجود می‌آیند. وقتی که در کشور رکود اقتصادی وجود داشته باشد، همه بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه تعاونی‌ها از این شرایط متأثر می‌شوند». بی‌تعادلی در برنامه‌ریزی و نهادهای اجرایی اشاره به این واقعیت دارد که سیستم تصمیم‌گیر و اجرایی کشور در هماهنگی و نظم دچار نقصان است و واقعیت امور به صورت منظم و پویا پیگیری نمی‌شود. در این خصوص، یکی از مدیران تعاونی در بخش کشاورزی، بنا بر گزارش‌های آسیب‌شناسی وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی معتقد است که: «دخالت وزارتخانه‌های اقتصادی یا به عبارت دیگر، نبود هماهنگی و همکاری وزارتخانه‌های دولتی با تعاونی‌ها، مشکلاتی را برای تعاونی‌ها ایجاد کرده است». در مورد مشکلات ناشی از بوروکراسی دستگاه‌های دولتی و اثر آن بر تعاونی‌ها می‌توان گفت که امروزه آثار و تبعات منفی بهره‌گیری از نظام و ساختار اداری متمرکز بر کسی پوشیده نیست. در واقع، بررسی‌ها نشان می‌دهند که بیش‌تر سازمان‌های تحت پوشش موسسه‌های دولتی به دلیل رعایت نکردن نظام شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران، و بی‌توجهی به اصل بهره‌وری، عملکرد رضایت‌بخشی نداشته‌اند و در نتیجه، بوروکراسی به عنوان یکی از مشکلات اساسی در سازمان اداری و اجرایی کشور دیده می‌شود (مولوی و همکاران، ۱۳۹۶؛ خان‌دوزی و کاویانی، ۱۳۹۵). متأسفانه، حجم بالای نامه‌نگاری‌ها، زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات دستگاه‌ها و اداره‌ها شده است. این مشکل در گزارش آسیب‌شناسی تعاونی بهداشت و درمان بدین نحو بازتاب یافته است که یکی از مدیران عامل بیان می‌کند: «انجام مراحل اداری و اخذ استعلام برای صدور پروانه تاسیس و موافقت اولیه از طرف معاونت امور دام و طیور سازمان جهاد کشاورزی، و انجام کارهای اداری اخذ جوابیه‌های استعلام، به مثابه عبور از هفت‌خوان رستم است». مشکلات مربوط به بوروکراسی در گزارش آسیب‌شناسی تعاونی تامین اعتبار بدین نحو بازتاب یافته است که: «برخلاف بی‌نیازی تعاونی‌ها از ارائه جواز کسب، وزارت بازرگانی درخواست جواز می‌کند».

زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب در کشور

بررسی‌های پژوهشگران حاکی از آن است که عوامل فرهنگی مانند روحیه جمع‌گرایی و تمایل به مشارکت در فعالیت‌های گوناگون، مهم‌ترین عوامل رشد و تعالی سازمان‌ها هستند (صفرپور، ۱۳۸۲). فرهنگ، منشا تمام خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جامعه را تشکیل می‌دهد و یک

۱. تحلیل محیطی (SWOT) شرکت‌های تعاونی بهداشت و درمان به منظور ارائه راهکارهای کاربردی، معاونت پژوهش، آموزش و کارآفرینی تعاونی‌ها. ص ۷۳.
۲. گزارش کارگاه مشارکتی، تحلیل محیطی (SWOT) شرکت‌های تعاونی اعتبار به منظور ارائه راهکارهای کاربردی، معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه آموزش. ص ۷۰.

سازمان زمانی خلاق و بارور می‌شود که هویت و سیمای یگانه خود را حفظ نماید (پورتولری و فلاح، ۱۳۹۴). یکی از زمینه‌های اصلی توفیق نیافتن در نهادهای تشکلی‌های تعاونی در سطح جامعه، بی‌توجهی به فرهنگ‌سازی و نوع نگرش عمومی نسبت به تعاونی‌ها است. به سخن دیگر، اشاعه نیافتن فرهنگ تعاون از یک سو و نگرش صرف اقتصادی به تشکلی‌های تعاونی از سوی دیگر، از مشکلات اصلی تعاونی‌ها در استقرار جایگاه اصلی خود هستند. تا زمانی که بستر برای فرهنگ‌سازی و ایجاد باورهای سازگار با تعریف تعاونی و موجبات تغییر در نگرش‌های مردم به تعاون فراهم نباشد، استقبال از ایجاد تعاونی و مشارکت در این امر کم‌تر خواهد بود.

«زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب در کشور» یکی از زمینه‌های توسعه نیافتگی تعاونی‌ها است. الگوهای اخلاقی نامناسب، ضعف و تقلیل سرمایه اجتماعی در جامعه، ضعف فرهنگ کار جمعی، و نظام اشتغال انعطاف‌ناپذیر سبب بی‌اطلاعی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به فعالیت‌های تعاونی می‌شود. در خصوص ضعف و تقلیل سرمایه اجتماعی می‌توان گفت که فرسایش سرمایه اجتماعی به اختلال در روابط منجر می‌شود. اختلال رابطه‌ای به پایین بودن میزان چگالی روابط اجتماعی و همچنین قربینگی، تعدد، و شدت روابط اجتماعی و تنوع هویت‌ها در روابط اجتماعی اشاره دارد (قدسی و مردان‌پور شهرکردی، ۱۳۹۲). در شرایط اختلال رابطه‌ای، احترام متقابل اجتماعی و انصاف اجتماعی کاهش می‌یابد. این اختلال استحکام اجتماع را خدشه‌دار می‌کند و آسیب‌پذیری فرد را افزایش می‌دهد. اختلال رابطه‌ای می‌تواند به انزوای اجتماعی، ناامیدی، احساس عجز، و انفعال‌گرایی منجر شود (چلبی، ۱۳۸۶).

تاثیر فرسایش سرمایه اجتماعی بر تعاملات درون تعاونی در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های کشاورزی بدین نحو بیان شده است که: «اکنون آدم‌های پرتلاش که دغدغه اجتماعی داشته باشند و همه به آن‌ها اعتماد داشته باشند، کم شده؛ یعنی روابط بین آدم‌ها به گونه‌ای شده که جمع‌شدنشان برای فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی که خارج از سطح فامیل و آشنایان باشد، کار سختی است. چون به‌سختی به هم اعتماد می‌کنند». فردگرایی منفی و بی‌توجهی به منافع جمعی بیش از هر الگوی فرهنگی می‌تواند به ساختار تعاونی‌ها که مبتنی بر کار جمعی داوطلبانه اعضا است، آسیب برساند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «امروزه هر جوانی که دنبال کار می‌گردد، اولین چیزی که در ذهنش می‌آید چه چیزی هست؟ فلان وزارتخانه یا فلان جا کارمند نمی‌خواهند که من استخدام بشوم و کار کنم. هیچ‌وقت ذهنش به این سمت نمی‌رود که من خودم با جمعی از دوستانم، یک شرکت درست کنیم». از دیگر زیرمقوله‌های زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور، بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاونی است. یک مدیرعامل در خصوص بی‌اطلاعی

عمومی از وجود تعاونی بیان می‌کند: «این‌جانب به عنوان مدیرعامل در مقطعی احساس کردم ورودی سپرده بسیار کم شده است. در یک نظرسنجی متوجه شدم که بسیاری از همکاران فرهنگی از تعاونی اعتبار فرهنگ، اطلاعی ندارند؛ بنابراین، به وسیله یک بروشور که کلمه آیا می‌دانید تعاونی اعتبار فرهنگ در این شهرستان وجود دارد؟ به همین منوال کلیه خواسته خود را با همان کلمه آیا، به پایان رساندم». در نهایت، می‌توان گفت که نهادینه شدن ارزش‌ها و فرهنگ تعاونی در میان اعضا و نیروهای ستادی و صف ارکان تعاونی‌ها مانند هیئت‌مدیره، بازرسان، مدیرعامل، و مدیران میانی و پایی در توفیق تعاونی‌ها، نقش جدی و کارسازی خواهند داشت.

شرایط علی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها

شرایط علی یا سبب‌ساز به‌طور معمول آن دسته از رویدادها و وقایعی هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند. در پژوهش حاضر، «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی»، «مشکلات اقتصادی درون تعاونی»، و «نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی» به عنوان شرایط علی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها مطرح هستند. چراکه این پدیده‌ها به‌طور مستقیم به توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها منجر می‌شوند. «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی» شرکت‌های تعاونی را از سرمایه اصلی‌شان یعنی کار داوطلبانه اعضا برای دستیابی به اهداف جمعی اقتصادی محروم می‌کند و «مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها» و «نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی» به تشدید مشکلات ناشی از «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها» منجر می‌شود. در ادامه، به شرح هر کدام از این موارد پرداخته می‌شود.

ضعف سرمایه انسانی در تعاونی

نیروی انسانی به منزله اساس، کلید، و موتور هر نوع فعالیت سازمانی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که یکی دیگر از شرایط علی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی» است. ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها شامل مولفه‌های سه‌گانه پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف اعضا، ضعف آگاهی اعضا، و نگاه ابزاری آنان به تعاونی است. تعاونی‌ها به عنوان یک سازمان اقتصادی-اجتماعی نیاز به اعضای دارند که در کنار نگرش مثبت به فعالیت و کار جمعی، نسبت به ریسک‌پذیری اقتصادی نیز رویکرد مثبتی داشته باشند که پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین اعضا این ظرفیت مهم و موثر را در شکوفایی اقتصادی تعاونی‌ها از این نهاد

دریغ می‌کند (مظلوم خراسانی و همکاران، ۱۳۹۰). در خصوص نقش پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف اعضا در رکود تعاونی‌ها یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «افرادی که وارد تعاونی می‌شوند، به‌طور معمول، خیلی اهل ریسک و فعالیت با سود بالا نیستند و بیش‌تر می‌خواهند که نیازشان تامین شود». مولفه دوم از ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها، ضعف آگاهی اعضا است. بخش قابل‌توجهی از مشکلات تعاونی‌های تولیدی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر این مشکل به وجود آمده‌اند. یکی از اقدام‌های اساسی برای جلوگیری از فردگرایی در تعاونی‌ها، آگاهی اعضا است. در این رابطه لازم است افرادی که به عضویت تعاونی‌ها درمی‌آیند، اطلاعات اساسی اقتصادی، حقوقی، و فنی مربوطه را تا حدودی داشته باشند تا امکان دخالت و اظهارنظر در مسائل تعاونی را پیدا کنند و ناگزیر نشوند که کورکورانه به اقدام‌های هیئت‌مدیره و مدیرعاملان تعاونی متکی باشند. مشارکت‌کننده‌ای این‌گونه می‌گوید: «بسیاری از افرادی که وارد تعاونی‌ها می‌شوند، فلسفه تعاونی‌ها را نمی‌دانند». همچنین، فرد دیگری می‌افزاید: «عموم مشارکت‌کننده‌ها به همین‌گونه رفتار می‌کنند و درک و آگاهی نسبت به وظیفه شخصی و همکاری جمعی و خود تعاون وجود ندارد، و نمی‌دانند ما باید به هم کمک کنیم که در نهایت، کار به نحوی پیش برود که به نفع همه ما باشد؛ شما به همه آدم‌ها حق رای می‌دهید که شاید ندانند چطور باید از حق رای خود استفاده کنند».

آخرین مولفه از ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها، نگاه ابزاری اعضا به تعاونی است. نگاه ابزاری اعضا به تعاونی ریشه در این مسئله دارد که روحیه همسویی و وابستگی عاطفی اعضا برای افزایش تعلق، تعهد، و عملکرد، و کاهش بی‌تفاوتی در امور تعاونی در چشم‌اندازهای هر شرکت تعاونی به‌خوبی اجرا نمی‌شود. به نحوی که خودگردانی تعاونی‌های تولیدی بدون مطالعات اولیه و در نظرنگرفتن مشکلات بعدی (مانند نبود شرایط نسبی و خودگردانی - مطالعه ناکافی در زمان تشکیل شرکت‌ها) همزمان با آشنایی محدود اعضا یا علاقه‌مند نبودن مدیران و شرکت‌های تعاونی به ارائه اطلاعات مرتبط به اعضا باعث عضویت اجباری اعضا می‌شود که این وضعیت، اصل اراده و اختیار تشکیل تعاونی‌ها را در نظر نمی‌گیرد. بنابراین، اعضای تعاونی انگیزه‌ای برای رای‌دهی در تعاونی ندارند. در نتیجه، وجود اختلاف در تصمیم‌گیری‌های جمعی و بی‌علاقگی اعضا به عضویت در هیئت‌مدیره، گسترش روحیه فردگرایی، همکاری نکردن اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در اعضا، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون و در نهایت، پایبند نبودن اعضا به تعاونی، نگرش ابزاری به تعاونی را به دنبال دارد. یک مشارکت‌کننده در این زمینه بیان می‌کند: «در تعاونی باید به‌گونه‌ای هدفگذاری شود که افراد احساس کنند که هرچقدر تعاونی‌شان پیشرفت کند، به نفع آنهاست».

این که ما در برخی موارد می‌بینیم که به دلیل نبودن همان فرهنگ کار جمعی، افراد فکر می‌کنند که اگر من کار تلاش کنم، منافعی را دیگری می‌برد. این که مدیر فرد دیگری است و به اسم فرد دیگری تمام می‌شود. این باعث می‌شود تا افراد آن مشارکتی را که باید داشته باشند، ندارند و کار تیمی شکل نگیرد و سازمان تضعیف شود».

مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها

می‌توان مشکلات اقتصادی درونی تعاونی‌ها را به چهار دسته مشکلات مربوط به عرصه تولید، فروش و بازاریابی، کمبود تجهیزات اولیه، و مشکلات درون‌ساختاری اقتصادی تقسیم نمود. مشکلات مربوط به عرصه تولید و فروش را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که نبود نقدینگی و سرمایه کافی نسبت به تعداد اعضا و همچنین، استفاده نکردن از کادر متخصص و باتجربه در فرایند تولید، برای تعاونی‌های تولیدی ایجاد مشکل کرده است. علاوه بر این، سیستم بازاریابی نامناسب و بی‌اطلاعی از وضعیت بازار در عرضه خدمات و محصولات این تعاونی‌ها، منجر به این شده است که حق تعاونی‌ها در عرضه محصولات و خدمات ضایع شود. مشکلات مربوط به عرصه تولید و فروش در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی کشاورزی این‌گونه بازتاب یافته است: «... در این مدت ۵۰ روز (پرورش مرغ) شما با استرس خاصی سروکار دارید که بیماری وارد واحد نشود، آیا سوخت مصرفی به‌اندازه است و تمام نمی‌شود یا این که ذرت و سویا قیمتش بالا رفته و دست آخر، بیش‌ترین استرس در هنگام فروش این است که آیا قیمت کشتارگاه بالاست یا پایین! آیا دخل و خرج باهم برابری دارد یا خیر؟». مشکلات مربوط به عرضه محصولات در بررسی موانع موجود برای بهبود و ارتقای کیفی و کمی تعاونی‌های مرزنشینان بدین نحو بازتاب یافته است: «البته ضعف روش‌های بسته‌بندی، دیگر مشکل صادرات کل کشور است، اما این موضوع به علت مشکلات خاص و تجربه تعاونی‌ها، در مورد آن‌ها بیش‌تر است. به هر حال، ضعف در امکانات بسته‌بندی و بی‌توجهی صادرکنندگان در عرضه کالا، باعث تلف شدن بسیاری از تلاش‌ها و هزینه‌های تولید شده است و سودآوری را کاهش داده است». از دیگر مشکلات اقتصادی تعاونی‌ها می‌توان به کمبود ملزومات اولیه اشاره نمود. این مشکلات شامل کمبود تجهیزات و منابع، دسترسی نداشتن به تجهیزات روز دنیا، ضعف مالی در جذب نیروی کارآمد، و ناتوانی در بازپرداخت وام در سال‌های اولیه فعالیت، می‌شوند. یک مدیر اجرایی در بخش کشاورزی درباره ضعف امکانات اولیه بیان می‌کند: «برای زعفران ایران در تمام دنیا سر و دست می‌شکنند اما در خود ایران، کشاورزان توان این را ندارند که هزینه کارگر زمین را جهت چنین زعفرانی و دیگر هزینه‌ها بپردازند».

کمبود زیرساخت‌های لازم توسعه در منطقه از قبیل راه‌آهن و گمرک نیز مربوط به کمبود ملزومات اولیه اختصاصی فعالیت تعاونی مرزنشینان است. همچنین، در تعاونی مرزنشینان پایین بودن سهمیه ارز تخصیصی به ضعف بنیه مالی این تعاونی‌ها منجر شده است. یکی از مدیران عامل تعاونی‌های مرزنشینان بیان می‌کند: «یکی دیگر از مشکلات تعاونی‌های مرزی، کمبود یا نبود امکانات است (که از آن به منزله پشتیبانی واردات و صادرات یاد می‌شود). تعاونی‌های مرزی به‌طور معمول، از لحاظ مکان استقرار و امکانات دفتری و تخصص‌های مورد نیاز، دچار کمبود هستند. همچنین، بیش‌تر این تعاونی‌ها، فروشگاه‌های جهت عرضه کالاهای وارداتی خود ندارند. نبود انبار و سردخانه مناسب، یک محدودیت برای صادرات به شمار می‌رود».

زیرمقوله مشکلات درون ساختاری اقتصادی تعاونی‌ها اشاره به ساختار اقتصادی غیررقابتی تعاونی‌ها و وابستگی اقتصادی آن‌ها به تسهیلات دولتی دارد. رابطه عمودی دولت با تعاونی به همراه مشکلات مربوط به عرصه تولید، موانع ساختاری جدی را بر سر راه رونق شرکت‌های تعاونی تولیدی ایجاد نموده است و دوام این موانع، شکست بسیاری از برنامه‌های عملی شرکت‌های تعاونی تولیدی را به همراه دارد. تعاونی‌ها به دلیل تطابق نداشتن با نوسان بازار و نامناسب بودن سیستم خریدوفروش، و ضعف بازاریابی، سودآوری پایینی دارند و همین امر، به‌مرور زمان، اعضا را از فعالیت در قالب تعاونی ناامید می‌کند و به دلیل ماهیتی که در نحوه روابط تعاونی‌ها وجود دارد (مانند ساختار انحصاری، امکانات تولیدی و محدودیت سرمایه، سودآوری پایین، و ضعف سرمایه انسانی و اطلاعاتی و تخصصی)، تعاونی‌ها به واحدهایی اقتصادی تبدیل می‌شوند که دارای ساختار اقتصادی غیررقابتی و با بهره‌وری پایین هستند. در این خصوص، یکی از مدیران عامل‌های تعاونی کشاورزی بیان می‌کند: «زمانی که فضا برای رقابت سازمان‌های تولیدی نباشد، خودبه‌خود ساختار انحصاری شکل می‌گیرد که فضای رقابتی و کیفیت را کاهش می‌دهد». درباره وابستگی اقتصادی تعاونی‌ها به دولت می‌توان گفت که شرکت‌های تعاونی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری و مالی هستند تا بتوانند منافع اعضای خود را تامین نموده و به وسیله اعضایشان به صورت دموکراتیک اداره شوند. تبادل‌های مالی تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها با سازمان‌های متولی تعاون به‌گونه‌ای است که سازمان‌ها این امکان را دارند تا بر این تشکل‌ها اعمال نفوذ نمایند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در توصیف وابستگی تعاونی‌ها بیان می‌کند: «برخی از تعاونی‌ها درون‌شان این تفکر رواج دارد که به ظرفیت‌ها، نیروها و کار جمعی خودشان توجهی نمی‌کنند و این نگاه را دارند که تعاونی جایی است که دولت باید به آن کمک کند و اگر دولت کمکی نکند، تعاونی شکل نمی‌گیرد».

نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدوّن در خصوص تعاونی‌ها

«نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدوّن در خصوص تعاونی‌ها» از دیگر شرایط علی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها است. این مشکل به ساختار بیرونی و در ارتباط با ساختار تصمیم‌گیر و اجرایی کشور مربوط می‌شود. این مانع علی در سر راه محقق نشدن برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده بخش تعاونی در اقتصاد کشور، دارای سه بُعد است که شامل جایگاه نامشخص تعاونی‌ها، درک نادرست از تعاونی‌ها، و بی‌توجهی به تعاونی‌ها می‌شود. ماهیت این سه بعد، روشن‌کننده این واقعیت است که نظام تعاونی در ساختار تشکیلات کلان کشوری اگرچه دارای تعریفی در قانون اساسی است، ولی در مقام عمل، سیاستگذاری‌های مطلوب، مدوّن و مشخصی به صورت جدی و پیوسته جهت رساندن تعاونی به سرمنزل مقصود یعنی کمک‌رسانی به توسعه اقتصادی و اجتماعی، کم‌تر دیده می‌شود. در واقع، مولفه‌هایی چون تعریف نکردن جایگاه عملی تعاونی، تعدد مراجع تصمیم‌گیر، وجود مدیریت‌های دوگانه، مشخص نبودن جایگاه تعاونی در اقتصاد و قانون، و مشخص نبودن متولی قانونی، جایگاه نامشخصی را برای تعاونی بوجود آورده‌اند. نمونه‌ای درباره جایگاه نامشخص تعاونی‌ها بیان می‌کند: «پس از ادغام وزارت تعاون با وزارت کار و رفاه اجتماعی، جایگاه تعاون در دوره‌ای که ادغام‌ها صورت گرفت، دچار آسیب شد». یکی دیگر از عواملی که به سردرگمی تعاونی‌ها منجر شده است، مشخص نبودن متولی تصمیم‌گیری است. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «ما یک مدیریت دوگانه را در بخش تعاونی‌های کشاورزی شاهد هستیم. وزارت جهاد کشاورزی یک سازمان تعاونی جداگانه دارد. و وزارت تعاون که خودش متولی تعاون است یک مدیریت جداگانه در قبال تعاون دارد». علاوه بر نکته‌های اشاره‌شده، جایگاه تعاونی در اقتصاد و قانون کشور نیز جایگاه شفاف نیست. مدیرعامل یکی از تعاونی‌های مصرف بیان می‌کند: «نبود راهبرد و سیاست مشخص دولت در ارتباط با تعاونی‌های مصرف، به تعاونی ضربه می‌زند». درک نادرست از تعاونی‌ها اشاره به این واقعیت دارد که در بدنه اجرایی کشور، مقوله تعاون یک نقطه ابهام است و بخش اجرایی کشور به‌ویژه دولتمردان و متولیان تعاون، درک مشخص و روشنی از تعاون و تعاونی ندارند. یک مشارکت‌کننده معتقد است: «چون جایگاه عینی و مشخصی برای تعاونی‌ها وجود ندارد، آن‌ها در بالاتکلیفی به سر می‌برند».

شرایط میانجی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها

شرایط میانجی آن‌هایی هستند که شرایط علی را تخفیف، یا به نحوی تغییر می‌دهند. به عبارتی

بهتر، این شرایط را می‌توان به منزلهٔ زمینه ساختاری وسیع‌تر در ارتباط با پدیده در نظر گرفت. در پژوهش حاضر، «چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل» و «چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها» شرایط میانجی محقق نشدن برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای تعاونی‌ها در برنامه پنجم توسعه هستند؛ زیرا به تسهیل توسعه نیافتگی تعاونی‌ها منجر می‌شوند.

چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل

یکی دیگر از شرایط مداخله‌گر در توسعه نیافتن تعاونی‌ها «چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل» است. این چالش‌ها شامل سیاست‌های تجاری نامطلوب، ضعف رقابت با بخش خارجی، و چالش‌های سیاسی در عرصه بین‌الملل هستند. سیاست‌های تجاری نامطلوب، ترویج نکردن اطلاعات در مورد صادرات، تغییر سیاست‌گذاری‌ها در تبادل‌های تجاری، دادن اجازه ورود به کالاهای ارزان خارجی، حمایت دولت از تولید خارجی، نقش نداشتن در سیاست‌های وارداتی، ورود محصولات کم‌کیفیت خارجی، حمایت نکردن از تولید داخلی، واردات بی‌رویه محصولات، و ضعف در مناسبت‌های تجاری کشور با کشورهای دیگر است. سیاست‌های تجاری نامطلوب در عرصه بین‌الملل در گزارش تعاونی مرزنشینان بدین نحو بازتاب یافته است که: «نبود هماهنگی میان تعاونی‌های مرزنشینان در خصوص کالاهای صادراتی و وارداتی باعث واردات و صادرات ناپهنگام، مازاد ظرفیت به بازار، و کاهش سود مبادله‌های مرزی برای این شرکت‌ها می‌شود^۱». دیگر مشکل مربوط به چالش‌های بین‌الملل تعاونی‌ها، ضعف رقابت با بخش خارجی است. این ضعف شامل ورود کالاهای خارجی مشابه، فقدان توانایی رقابت با تشکیلات بین‌المللی، و ضعف ارائه محصولات به بازارهای خارجی می‌شود. این مسئله در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی مرزنشینان این‌گونه نمود یافته است که: «نبود هماهنگی در واردات، تعاونی‌ها را در مقابل تشکیلات منسجم خارجی آسیب‌پذیر نموده و قدرت چانه‌زنی آنان را کاهش داده است^۲». از دیگر چالش‌های تعاونی در عرصه بین‌الملل، چالش‌های سیاسی تعاونی‌ها در عرصه سیاست‌گذاری مناسبت‌های بین‌المللی است. این چالش‌ها شامل مشکلات کشورهای همسایه، جنگ و ناآرامی در منطقه، تحریم‌های سنگین تجاری و مالی، و ضعف امنیت سیاسی و اقتصادی در مناسبت‌های فراملی هستند.

مشکلات ناشی از کشورهای همسایه در گزارش صنایع‌دستی زنان این‌گونه بازتاب یافته

۱. بررسی موانع برونی موجود در راه بهبود و ارتقای کیفی و کمی تعاونی‌های مرزنشینان، دفتر آموزش، ترویج و تحقیقات تعاونی‌ها: ۱۷۶.

۲. همان قبلی.

است که مدیرعامل یک شرکت تعاونی می‌گوید: «من برای فروش کالا چندین مکان را در شهرستانمان ایجاد کردم و هفته‌به‌هفته پول می‌گرفتم و به کارمندانم پرداخت می‌کردم. با ورود مهاجران از کشور همسایه، تعاونی ما ورشکست شد». یکی از مشارکت‌کنندگان در خصوص چالش‌های سیاسی در عرصه بین‌الملل که در فعالیت تعاونی‌ها موثر بودند، بیان می‌کند: «وقتی شما در شرایط تحریم دچار ضعف اقتصادی می‌شوید، تعاونی بیش‌تر (از دیگر بخش‌های اقتصادی) آسیب می‌بیند؛ و دیگری در این خصوص بیان می‌کند: «تلاطم‌هایی که در عرصه بین‌الملل در کشورمان اتفاق می‌افتند، آسیب جدی به ساختار تعاونی‌ها وارد می‌کنند».

چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها

از دیگر شرایط مداخله‌گر در موانع توسعه تعاونی‌ها «چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها» هستند. مقوله چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها، شامل زیرمقوله‌های تدوین قوانین نامناسب، مستقل نبودن تعاونی‌ها در وضع قوانین، ضعف نهادینه‌سازی، و ضعف اجرای قوانین و نقض قوانین موجود هستند. زیرمقوله تدوین قوانین نامناسب، سیاست‌ها و مفاد اجرایی حقوقی نامناسب، نبود حمایت حقوقی در عقد قرارداد تجاری، ارتباط ضعیف با قوه مقننه، غیرتخصصی بودن قوانین مربوط به تعاونی، وجود آیین‌نامه‌های موازی، تداخل وظایف تعاونی با اداره‌ها و سازمان‌های دیگر، نبود قانون محکم برای درآمدزایی، قوانین مالی تبعیض‌آمیز، تبعیض در اجرای قوانین مالیاتی بیمه، قوانین مبهم وزارتخانه‌ها، قوانین غیرشفاف، فرار شرکت‌های خصوصی از قوانین کشور، به‌روز نشدن قوانین، بی‌ثباتی قوانین، و منسجم نبودن قوانین در خصوص تعاونی است. مشارکت‌کننده‌ای در خصوص شفاف نبودن قوانین و وجود تعارض درون آن‌ها می‌گوید: «یکی از مشکلات ما در کشور زیاد بودن قوانین است. ما چیزی حدود ۸۰ هزار قانون و مقررات داریم که اجرا کردن این قوانین بسیار مشکل است. اکنون یک کارگروهی برای حذف قوانین زائد تشکیل شده تا فضای کسب‌وکار را تسهیل و قوانین و مقررات زائد را حذف کنند». این مشارکت‌کننده درباره غیرتخصصی بودن قوانین وضع شده می‌افزاید: «مدیری که آشنا نباشد، حتی در اولین گام نمی‌داند که مسئله این بخش چیست. برای مثال، بخش تعاون مشکل دارد اما چه مشکلی؟ وقتی یک دستگاه سیاستگذار از مقدمات آن بی‌اطلاع باشد و مهارت و تفکر مسئله‌یابی وجود نداشته باشد، سیاستگذاری غلط می‌شود و این سیاستگذاری غلط، یک‌دفعه ممکن است بخشی را به نابودی بکشاند». دیگر زیرمقوله چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها، نبود استقلال در وضع قوانین است. نبود استقلال در وضع قوانین شامل مقررات از بالا، قوانین منجر به خروج مدیران باتجربه، ضعف مشارکت تعاونی‌ها در تصمیم‌سازی، ضعف

قوانین انتخاباتی، نبود اختیار کافی در حوزه تصمیم‌گیری، و تدوین نکردن اساسنامه‌های اختصاصی است. نبود استقلال در وضع قوانین در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های حمل‌ونقل بدین نحو بازتاب یافته است که مدیرکل یک تعاونی بیان می‌کند: «در دنیا، از نظرهای اتحادیه و تعاونی برای تصویب قوانین استفاده می‌شود ولی در ایران، از کسانی که تجربه دارند و می‌توانند راهگشا و حلال مشکلات باشند، استفاده نمی‌شود»^۱.

زیرمقوله بعدی چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها، «ضعف نهادینه‌سازی و اجرای قوانین» است. ضعف نهادینه‌سازی و اجرای قوانین، تمکین نکردن اداره‌ها به قوانین موجود، نبود ضمانت اجرایی قوانین، تبعیض در اجرای قوانین، تخلف قانونی در ساماندهی تعاونی سهامی عام، اجرای نکردن سیاست‌گذاری‌ها و مفاد اجرایی تعاونی، اجرایی نشدن حق معافیت بیمه تعاونی، نبود نهادینه‌سازی مصوبه‌های قانونی در خصوص تعاون، نبود نهادینه‌سازی سیاست‌های حمایتی اصل (۴۴) در خصوص تعاونی، ساماندهی نامناسب و واگذاری سهام تعاونی، اجرای نامطلوب سیاست‌ها و مفاد قانونی مصوب، و تاخیر در صدور پروانه بهره‌برداری و اجرا نکردن دستورالعمل‌هاست. در این خصوص، مدیرعامل یکی از تعاونی‌های بهداشت و درمان بیان می‌کند: «نبود حمایت مناسب وزارت بهداشت و امور درمان دانشگاه‌ها حتی نسبت به مصوبه‌های مجلس و دولت بند «ج» تبصره (۴۲) مصوبه‌های بودجه سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی نیز وجود دارد که در آن‌جا آمده است: دولت و دانشگاه‌ها مکلف‌اند تا از محل منابع عمومی دولت و واگذاری وام با تسهیلات مناسب از بخش خصوصی به‌ویژه تعاونی که در احداث بیمارستان‌ها فعالیت دارند، حمایت کنند». آخرین زیرمقوله، مقوله عمده چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها «نقض قوانین موجود» است. نقض قوانین موجود نقض اساسنامه برگزاری مجمع عمومی، توجه نکردن به نقش تعاونی در اصل (۴۴) قانون اساسی، اعطای مجوز به افراد فاقد صلاحیت و سودجو، و رعایت نکردن بخشنامه‌ها است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نقض قوانین موجود می‌گوید: «یعنی این تعاونی (تعاونی بانکداری پیش‌بینی شده در قانون سال ۱۳۵۰) وظیفه حسابرسی تعاونی‌ها را بر عهده دارد. البته این کار هزینه دارد و باید متخصص استخدام شود. وظیفه آموزش و مدیریت اعضا هم هزینه دارد؛ دولت به این بودجه‌ها کمک می‌کند که البته ما این کار را نکردیم، یعنی در قانون بودجه تا سال ۱۳۷۰ این کار را نکردند».

۱. گزارش کارگاه مشارکتی، تحلیل محیطی (SWOT) شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل به منظور ارائه راهکارهای کاربردی: ص ۷۵.

فرایندهای توسعه نیافتگی تعاونی‌ها

عمل / تعامل یا کنش / کنش متقابل، اصلاحاتی هستند که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل بکار برده می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، «نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی» و «پیدایش تعاملات نابهنجار» از جمله فرایندهای توسعه نیافتگی تعاونی‌ها هستند. علت انتخاب این مقوله‌ها به عنوان فرایندهای توسعه نیافتگی تعاونی‌ها این است که پاسخ‌های افراد به شرایط علی، زمینه‌ای، و میانجی به گونه‌ای است که عرصه را برای فعالیت در قالب تعاونی محدود می‌کنند و در نتیجه، اعضای تعاونی به تعاونی‌ها به چشم برطرف‌کننده نیازهای موقتی یا نهادی می‌نگرند که تنها از راه‌های نامشروع مانند تعاملات رانته می‌توان در آن موفق بود.

نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی

«نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی»، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت در تعاونی‌ها و نبود حمایت مستمر و برنامه‌ریزی از آنان است (بلالی و همکاران، ۱۳۹۶). نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی همان نگاه تب مالتی است؛ یعنی استفاده‌های مقطعی از تعاونی برای تحقق اهداف کوتاه‌مدت دولت‌ها. هرچند که نگاه غیرمستمر به فعالیت در قالب تعاونی، منحصر به رویکرد دولت نمی‌شود و در ارتباط متقابل با آن، اعضای تعاونی نیز تمایلی به کنش‌های پیوسته در قالب فعالیت تعاونی ندارند و تنها به سودهای مقطعی و امتیازهای موقتی اعطاشده از سوی دولت رضایت می‌دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان در خصوص نگاه کوتاه‌مدت و مقطعی دولت این‌گونه نظر می‌دهد: «تعاونی به جای آن که نهادی اجتماعی باشد، تبدیل به یک ابزار برای حل مشکلات اجتماعی، ساماندهی نظام توزیع، و حل بحران در مسائل کشور شده است؛ یعنی هر زمان که بحران شود، دولت از تعاونی‌ها استفاده می‌کند». مشارکت‌کننده دیگری، در خصوص پیوسته نبودن امور در تشکیلات تعاونی می‌افزاید: «تا زمانی که نگاه مستمر و فرایندی به تعاونی وجود ندارد و کارها به صورت پیوسته و منسجم صورت نگیرند، همین آش است و همین کاسه».

پیدایش تعاملات نابهنجار

یکی دیگر از مقوله‌های فرایندی در موانع توسعه تعاونی‌ها «پیدایش تعاملات نابهنجار» است. مقوله عمده پیدایش تعاملات نابهنجار از دو زیرمقوله پیدایش رانت و پیدایش تعاملات غیررسمی

سودجویانه تشکیل شده است. پیدایش رانت در ساختار تعاونی به استفاده از امتیازهای ویژه‌ای اشاره دارد که ریشه آن را می‌توان در اقتصاد دولتی مبتنی بر منابع طبیعی یافت. در خصوص پیدایش رانت در تعاونی‌ها، مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «یک تعاونی در شهریار بسیار موفق است. بخشی از موفقیتشان در این نکته است که آنان از ارتباطات ویژه‌ای برخوردارند. شاید کلمه رانت یک اصطلاح منفی باشد اما این ارتباطات باعث شدند که گاهی تسهیلاتی دریافت کنند یا کارهایشان سریع‌تر پیش برود». همچنین، در خصوص پیدایش رانت در تعاونی‌ها در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های حمل‌ونقل این نکته بیان شده است که: «نهادها و ارگان‌های دولتی و نیمه‌دولتی که خود در امر حمل‌ونقل درون‌شهری مشارکت دارند، در بیش‌تر مواقع به علت حمایت‌های ویژه، همانند صدور کارت تردد، برنده امور می‌شوند^۱». پیدایش تعاملات نابهنجار سودجویانه در تعاونی‌ها را می‌توان ناشی از ضعف عملکرد و وجود کمبودهایی در ساختار تعاونی‌ها دانست. اعضای تعاونی و همچنین ساختار هیئت‌مدیره با توجه به نقص‌های موجود، پی به این نکته می‌برند که برای گریز از مشکلاتشان به تعاملات نابهنجار روی بیاورند. در نتیجه، هموار دیدن تلاش‌های غیررسمی و غیرقانونی به جای تعاملات قانونی است که مدیران تعاونی‌ها را وادار می‌کند که به تلاش‌های نوآورانه خارج از چارچوب قانون روی آورند. عدول از اساسنامه تعاونی یکی از این تعاملات نابهنجار است. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص می‌گوید: «همان تعاونی موفق در شهریار به لحاظ اساسنامه‌ای از گردونه تعاونی‌ها عدول کرد؛ یعنی تعاونی به معنای آن اصول تعاونی نیست؛ گویی یک بخش آن شبه‌تعاونی است و به شرکت‌های شبه‌خصوصی و سهامی تبدیل شدند». یکی از شواهدی که تعاونی‌ها را از فعالیت قانونی بازمی‌دارد و به سمت فعالیت‌های غیرقانونی سوق می‌دهد، سودآور بودن بازارهای غیررسمی به جای بازارهای رسمی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «اگر سودآوری در فعالیت‌های غیرعملیاتی اقتصادی و رسمی مناسب نباشد، سودآوری در بازارهای غیررسمی مناسب است».

پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها

آخرین اصطلاح، پیامد است. هرچا انجام یا انجام ندادن عمل/ تعامل معینی در پاسخ به مسئله‌ای برای اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آیند. پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها شامل دو مقوله عمده «صدمه دیدن ساختار تعاون» و «ظهور

۱. گزارش کارگاه مشارکتی، تحلیل محیطی (SWOT) شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل به منظور ارائه راهکارهای کاربردی، معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه آموزش: ص ۶۲.

بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها» است. این پیامدها حاصل تعاملاتی چون «نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی» و «پیدایش تعاملات نابهنجار» در تعاونی‌ها هستند. بدین ترتیب که نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی به آسیب دیدن ساختار تعاونی منجر می‌شود و تعاملات نابهنجار که نتیجه فراهم نبودن شرایط دستیابی به اهداف تعاونی در قالب مشروع آن است، افراد را از کامیابی شرکت‌های تعاونی ناامید می‌کند.

صدمه دیدن ساختار تعاونی

اولین پیامدی که در راه توسعه تعاونی‌ها در کشورمان وجود دارد، صدمه دیدن ساختار تعاونی است. ساختار تعاونی‌ها در اثر فراهم نبودن بسترهای رشد و توسعه این بخش، دچار آسیب‌های جدی شده است که مولفه‌های آن را می‌توان «تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری تعاونی» و «تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی در بدنه تعاون» نام برد. تجربه کشورهای موفق در عرصه رشد و توسعه بخش تعاون نشان‌دهنده این امر است که شکوفاشدن بخش تعاون نیازمند پیش‌فرض‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی خاصی است که با فراهم نشدن این شرطها، بخش تعاون توانایی رقابت خود را با دیگر بخش‌های اقتصادی از دست می‌دهد. تحلیل قدرت رقابت‌پذیری تعاونی‌ها در مقایسه با بخش خصوصی در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های تامین نیاز بدین نحو بازتاب یافته است: «با توجه به این که بخش اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر سه بخش دولتی، تعاونی، و خصوصی استوار است و با واگذاری بخش دولتی به دو بخش دیگر که بخش خصوصی گوی سبقت را از بخش تعاونی ربوده است، در عمل بخش اقتصاد کشور با این تعاونی‌های توخالی، حمایت از بخش تعاون به سوی بخش خصوصی رهنمون می‌شود». البته تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری تعاونی‌ها به ضعف درون‌ساختاری تعاونی‌ها نیز مربوط می‌شود؛ از این جهت که آنان در شرایط امروز قدرت انطباق‌پذیری را از دست داده‌اند. در این خصوص، نمونه‌ای می‌گویید: «درون ساختار تعاونی‌ها، به‌خصوص اتحادیه‌ها، مدیرانی هستند که بیست‌وپنج سال سابقه دارند. با روش بیست‌وپنج سال پیش مدیریت می‌کنند و علم روز را ندارند. برنامه‌های حسابداری نمی‌دانند و به‌طور کامل، مدیریت چرتکه‌ای بر نگرش آن‌ها حاکم است».

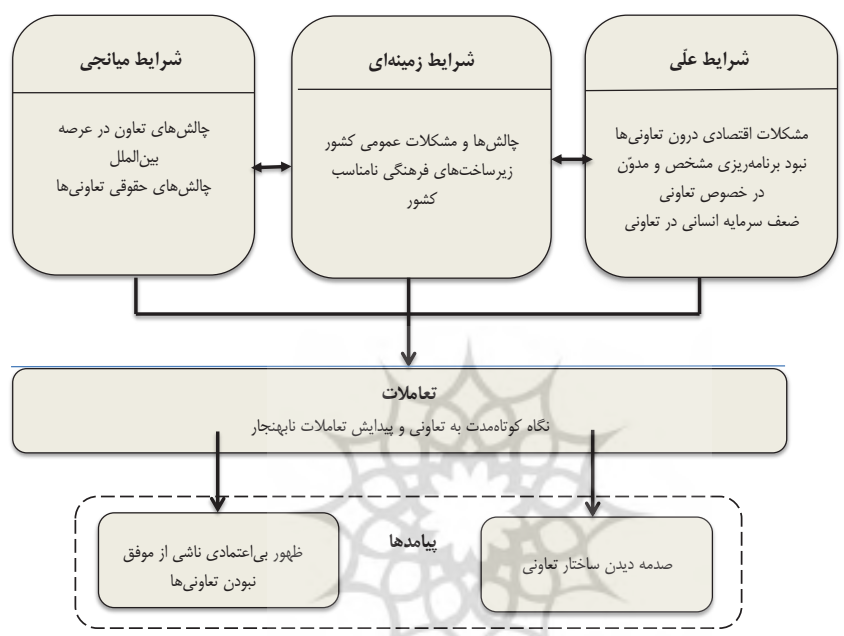
از دیگر مولفه‌های صدمه دیدن ساختار تعاونی «تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بدنه تعاون» است. تعاونی‌ها در بدنه اجتماعی و اقتصادی‌شان با فرسایش شدیدی مواجه شده‌اند. نبود سرمایه‌گذاری و استقبال از تعاونی‌ها می‌تواند منشاها گوناگونی داشته باشند. از جمله می‌توان به شفاف نبودن قوانین، صدمه دیدن تعاونی‌ها در تلاطم‌های بین‌المللی، آسیب‌پذیر بودن آن‌ها

در شرایط تحریم و بی‌انگیزگی ناشی از مشکلات مدیریتی کلان اشاره نمود. پیدایش تعاملات نابهنجار درون تعاونی‌ها که از جمله آن‌ها پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه و پیدایش رانت است، می‌تواند در تحلیل رفتن سرمایه اقتصادی و اجتماعی درون تعاونی‌ها موثر باشد. تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بدنه تعاونی‌ها در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی کشاورزی بدین نحو بازتاب یافته است که مدیرعامل یک تعاونی کشاورزی بیان می‌کند: «یکی از عمده‌ترین مشکلات پیشروی بخش تعاون، تطبیق نبودن منابع مالی مورد نیاز طرح‌ها با میزان هزینه اجرایی یک طرح است. به طوری که به دلیل سهم آورده ناچیز اعضا، تعاونی در همان ابتدای کار بدهکار می‌شود، و ادامه فعالیت را با مشکل مواجه می‌کند. در نتیجه، تعاونی به صورت نیمه‌فعال یا راکد درآمد و اعضای آن میلی به فعالیت در چنین شرکت‌هایی ندارند و در نهایت نیز کارشان به تعطیلی می‌کشد».

ظهور بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها

پیامد دیگر توسعه نیافتگی تعاونی‌ها «ظهور بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها» است. پیامد موفق نبودن تعاونی‌ها، خسران‌های مالی اعضایی است که از بنیه مالی چندان مناسبی برخوردار نیستند. در نتیجه، اعضای تعاونی‌ها و به تبع آن افرادی که حتی عضو تعاونی نیستند، نسبت به موفقیت‌آمیز بودن فعالیت تعاونی‌ها بی‌اعتماد و ناامید می‌شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «در ابتدا با امیدهایی وارد تعاونی‌ها شدند، اما یا به آن امیدها نمی‌رسند یا ناامید می‌شوند یا این که آن موضوع دیگر برایشان مهم نیست». همچنین، نمونه‌ای دیگر اظهار می‌کند: «تجربه‌های تلخی که از تعاونی‌ها وجود دارند، این بی‌اعتمادی (به فعالیت در قالب تعاونی) را بیش‌تر می‌کنند (و در نتیجه آن) بی‌اعتمادی نسبت به خود (نهاد) تعاون بیش‌تر می‌شود». این مسئله همچنین در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های بهداشت و درمان بدین نحو بازتاب یافته است که: «پس از مدتی بنا به دلایلی، تعاونی‌ها با شکست روبرو شدند تا جایی که نگرش منفی نسبت به این امر در جامعه رسوخ پیدا کرد». در نتیجه، محقق نشدن سهم پیش‌بینی شده تعاونی‌ها در برنامه‌های توسعه و موفق نبودن آنان در اهداف پیش‌بینی شده‌ای که دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی است، به تشدید مشکلات تعاونی‌ها منجر می‌شود. زیرا بزرگ‌ترین مزیت این نهاد یعنی مشارکت‌محور بودن و داوطلبانه بودن فعالیت اعضا که خود راه‌حل بزرگی برای برطرف کردن مشکل فرسایش سرمایه اجتماعی در کشور است، به پاشنه آشیل این نهاد مبدل شده است و به دور باطل افتادن تعاونی‌ها در موفق نبودن و بی‌اعتماد جامعه و دولت منجر می‌شود. با توجه به مقوله‌های عمده می‌توان گفت که مقوله «فرسایش سرمایه اجتماعی

- انسانی عامل رکود اقتصادی تعاونی‌ها» به مثابه مقوله هسته‌ای می‌تواند کلیه مقوله‌ها را توضیح دهد. درک توسعه نیافتن تعاونی‌ها در کشور، ناشی از فرسایش سرمایه اجتماعی - اقتصادی در قالب یک مدل مفهومی در شکل (۱) ارائه می‌شود.



شکل ۱: چارچوب «فرسایش سرمایه اجتماعی - انسانی عامل رکود اقتصادی تعاونی‌ها»

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، مطالعه زمینه‌ها، فرایندها، و پیامدهای محقق نشدن سهم پیش‌بینی شده تعاونی‌ها در برنامه پنجم اقتصادی توسعه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، «چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور» همسو با یافته‌های دولتی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور» هم‌راستا با نتایج روسو و همکاران (۲۰۰۰) و نودکویچ (۲۰۰۸)، به عنوان شرایط زمینه‌ای؛ «مشکلات اقتصادی درون تعاونی‌ها»، «نبود برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی»، و «ضعف سرمایه انسانی در تعاونی» همسو با یافته‌های ایبیتوی (۲۰۱۲) و ادريس و عبدالله (۲۰۱۱) به عنوان شرایط علی؛ «چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل» و

«چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها» به عنوان شرایط میانجی؛ «نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی» و «پیدایش تعاملات نابهنجار» به عنوان فرایندها؛ «صدمه دیدن ساختار تعاونی» و «ظهور بی‌اعتمادی ناشی از موفق نبودن تعاونی‌ها» به عنوان پیامدهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها هستند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که می‌توان موانع توسعه تعاونی‌ها را به دو دسته موانع درون‌ساختاری و برون‌ساختاری تقسیم نمود. برای شکوفایی بخش تعاون در اقتصاد کشور، تنها اصلاح ساختار درون تعاونی‌ها کفایت نمی‌کند و باید تغییرهایی در دیگر بخش‌های عمومی کشور رقم بخورد. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان مقوله «فرسایش سرمایه اجتماعی - انسانی عامل رکود اقتصادی تعاونی‌ها» را به عنوان مقوله هسته‌ای که دربرگیرنده تمامی مقوله‌های این پژوهش است، در نظر گرفت. این مقوله بیانگر این است که تعاونی‌ها، نهادهای اجتماع‌محوری هستند که فعالیت اقتصادی در آن‌ها به‌شدت تحت تاثیر کیفیت و کمیت سرمایه‌های انسانی درون‌شان است. مطرح کردن افول اقتصادی کشور به عنوان یکی از موانع توسعه تعاونی‌ها، با تعریف ذاتی تعاونی‌ها که خود راه‌حلی تاریخی برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی اقشار کم‌درآمد جامعه بوده‌اند؛ سازگاری ندارد. در نتیجه، فراهم آوردن بسترهای فرهنگی و اجتماعی توسعه تعاونی‌ها از اولویت ویژه‌ای در مقایسه با حمایت‌های مالی دولت از آنان برخوردار است. این یافته همسو با یافته‌های ایبیتوی (۲۰۱۲) و ادریس و عبدالله (۲۰۱۱) است که بر اولویت عوامل اجتماعی - فرهنگی نسبت به عوامل اقتصادی در توسعه تعاونی‌ها تاکید کردند. یافته‌های رشیدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۶) و حیدری و همکاران (۱۳۹۶) نیز با ماهیت تعاونی در کشورمان سازگاری ندارند. آن‌ها به اولویت عوامل اقتصادی بر اجتماعی - فرهنگی در توسعه تعاونی‌ها تاکید می‌کنند. امری که با پژوهش‌های تطبیقی کیفی در مقایسه تعاونی‌های موفق در کشورمان با کشورهای دارای ساختار فرهنگی مشابه ایران و با تعاونی‌هایی که به رکود و ورشکستگی کشیده شدند، سازگاری ندارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان ادعا نمود که گسترش تعاونی در ایران با موانع فرهنگی - ساختاری جدی مواجه است. بنابراین، می‌توان پیشنهاد نمود که ضمن تلاش برای برطرف کردن موانع فرهنگی - ساختاری موجود، برای رفع موانع فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی نیز می‌توان فرصت‌هایی مهیا کرد تا به صورت سازمان‌یافته‌تری به فعالیت‌های خود سامان بخشند. در نظرگرفتن تجربه‌های تاریخی موفقیت‌آمیز یاریگری سنتی در فرهنگ ایرانی مانند واره^۱،

۱. واره نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه بر پایه مبادله «شیر با شیر» است. مبادله و تعویض یک کالا با کالایی از همان نوع و با همان درجه مرغوبیت در بین اقوام ابتدایی نیز دیده شده، اما آن معاوضه به خاطر مسائل اقتصادی انجام نمی‌شده است.

بنه^۱ و بُرأبری^۲ در قالب این راهکار می‌تواند اثربخش باشد. این راهکار از این جهت دارای اهمیت است که باعث زدودن تجربه‌های منفی فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی می‌شوند، و این نگرش را تقویت می‌کند که فعالیت موفقیت‌آمیز تعاونی‌ها بهترین راهکار برای تغییر این فضای فکری است. البته، این امر از راه جذب کنش‌های موفقیت‌آمیز سنتی که دارای ماهیت اقتصادی - اجتماعی هستند، در قالب تعاونی ممکن می‌شود. این امر می‌تواند در جهت تحقق ماده (۲) از سند کلان بخش توسعه تعاون در کشور ظرفیت‌های ویژه‌ای را به وجود آورد.

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این هستند که اعضای فعلی تعاونی‌ها با فلسفه تشکیل تعاونی‌ها آشنا نیستند و در صورت آشنایی، مطابق هنجارهای سنتی خود عمل می‌کنند. بنابراین، ماده (۷) از دستورالعمل تشکیل تعاونی‌ها باید از راهی اصلاح شود که آموزش اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی در کنار قوانین آن مدنظر قرار گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت از دستاوردهای نظری این پژوهش نگاه فرایندی و نمایش تاثیرگذاری عوامل درون‌بخشی و برون‌بخشی در محقق نشدن اهداف پیش‌بینی شده برای بخش تعاون است. بدین معنا که اگر بخش تعاونی در اقتصاد دارای مشکلات ساختاری است و اگر جامعه ایران نسبت به این بخش بدبین شده است، در نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی‌ها و پیدایش تعاملات نابهنجار در آن‌ها ریشه دارد. اما نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی‌ها و پیدایش تعاملات نابهنجار در بخش تعاونی اقتصاد ریشه در زمینه‌های عمیق‌تر اجتماعی مانند ضعف فرهنگ تعاون و چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور دارد. در نتیجه، شکوفایی بخش تعاون نیازمند یک نگاه فرابخشی است.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به پیشنهادهای عملیاتی و پژوهشی اشاره داشت. الف. انتشار اطلاعات مرتبط با ظرفیت‌های بالقوه‌ای که تعاونی‌ها می‌توانند مبتنی بر هم‌افزایی‌های اجتماعی در برطرف کردن مشکلات اقتصادی در بر داشته باشند. این امر به معنای متوقف نماندن اصل مهم آموزش در تعاونی‌ها و گام برداشتن به سوی آموزش همگانی و هدفمند اصول و فلسفه وجودی تعاونی‌ها است. با توجه به یافته‌های این پژوهش که نشان می‌دهد فعالان در بخش تعاون متعلق به قشر کم‌درآمد اقتصادی هستند، پیشنهاد می‌شود که تبصره اول از ماده چهارم قانون تعاونی‌ها در خصوص پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری، به نحوی اصلاح شود که تعاونی‌ها در شکل‌های خانوادگی و

۱. بنه‌ها سازمان‌های پنهان و پوشیده‌مانده تعاونی تولید سنتی در زمینه کشاورزی ایران هستند و در گذشته به تعداد بی‌شماری در اعماق جامعه روستایی تا حومه شهرها و حتی در روستاهای حومه پایتخت وجود داشته‌اند.
 ۲. بُرأبری نمونه شگفت‌انگیز و قابل‌تاملی در یاریگری سنتی ایران در زمینه درو کردن گندم آبی است و در واقع، یک ماشین خودکار فرهنگی با کارکردهای آشکار و پنهان فراوان است. درباره بُرأبری نگ به: فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

محلی نیز قابلیت شکل‌گیری داشته باشند. با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی ایران و تجربه موفقیت‌آمیز مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای، پیشنهاد می‌شود که ماده (۱۰) از سری مراحل تشکیل تعاونی‌ها به نحوی اصلاح شود که فرایند اداری اخذ مجوز در آن به کمینه برسد و همزمان، اعتباری برای افراد دارای حسن شهرت در فعالیت‌های غیررسمی مانند خیریه تعریف شود. به رسمیت شناختن این نوع از اعتبار برای این افراد می‌تواند زمینه‌ای برای حضور آنان در تعاونی‌ها باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های کمی برای آزمون یافته‌های کیفی به‌دست‌آمده انجام شوند. بدین صورت که از چارچوب به‌دست‌آمده، فرضیه‌های آزمون‌پذیری در تعاونی‌های مختلفی که دچار وضعیت رکود یا رونق هستند، ایجاد و توسعه یابند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به ممکن نبودن دسترسی‌های چندباره به برخی مصاحبه‌شوندگان در سطوح بالای مدیریتی بخش تعاون اشاره نمود که در صورت دسترسی، امکان دریافت بازخورد بیشتر در خصوص نتایج پژوهش وجود داشت. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش فراهم نشدن امکان مصاحبه با تعاونی‌های ورشکسته برای آزمون یافته‌ها است که می‌تواند موضوع یک پژوهش دیگر باشد.

منابع

الف) فارسی

- احمدپور، امیر؛ مختاری، ویدا و پورسعید، علیرضا (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۷(۳)، ۱۰۵-۱۲۲.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. انتشارات اطلاعات، تهران.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
- انتظاریان، ناهید و سنجری، محمد (۱۳۹۲). نقش تعاونی‌ها در تحقق حماسه اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ۱۶۲(۱)، ۸۰-۷۴.
- بختیاری، صادق؛ دهقانی‌زاده، مجید و حسینی‌پور، سیدمجتبی (۱۳۹۳). تحلیل از بهره‌وری نیروی کار و کارایی در بخش تعاونی: مطالعه موردی تعاونی‌های صنعتی استان یزد. *فرایند مدیریت و توسعه*، ۲۷(۳)، ۷۳-۴۵.
- بذرافشان، جواد و شاهین، حاتم (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران*. چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، زاهدان.

- بلالی، حمید؛ موحدی، رضا و نظری کمرودی، جلال (۱۳۹۶). ارزیابی عوامل اثرگذار در بهبود عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در شهرستان سوادکوه. *پژوهش‌های روستایی*، ۸(۴)، ۵۷۷-۵۹۰.
- بوزرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۴). تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی. *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ۹(۱)، ۴۶-۱۷.
- بیرکس، ملانی و میلز، جین الیزابت (۱۳۹۳). *تحقیق مبنایی: راهنمای عملی*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و عباداله بانسی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- پورتولری، ملیحه و فلاح، محمدحسن (۱۳۹۴). تاثیر فرهنگ بر مولفه‌های پایداری اجتماعی. *کنفرانس بین‌المللی معماری و زیرساختارهای شهری*، تبریز
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران، نشر نی.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۴(۸۰)، ۱۱۸-۱۰۳.
- حیدری، فریبا؛ نادری، کریم؛ یعقوبی فرانی، احمد و حیدری، علیقلی (۱۳۹۶). واکاوی عملکرد تعاونی‌های کشاورزی استان همدان بر اساس مدل ارزیابی تلفیقی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۶(۳۳)، ۱۶۹-۱۴۵.
- خان‌دوزی، سید احسان و کاویانی، زهرا (۱۳۹۵). کانال‌های تاثیر بوروکراسی بر عملکرد اقتصاد ایران. *مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۷)، ۴۲-۵.
- خفایی، بهزاد (۱۳۸۸). عوامل موثر بر عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی در شهرستان‌های بوشهر و دشتستان. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۲۰(۲۱۲)، ۲۰-۱۸۳.
- دانش، پروانه؛ ملکی، امیر و نیازی، محسن (۱۳۹۱). نظریه زمینه‌ای درباره علل اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱(۴)، ۱۴۵-۱۲۵.
- دروشی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۹). ارزیابی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در استان مازندران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- دولتی، نگین؛ نادری مهدبی، کریم و سعدی، حشمت‌اله (۱۳۹۱). عوامل ساختاری - برون‌سازمانی موثر بر رکود شرکت‌های تعاونی دهیاری‌های استان همدان. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۱(۴)، ۱۰۳-۸۵.
- رشیدی‌فرد، سیمین؛ محقق، نادر و عباسی، عنایت (۱۳۹۶). بررسی چالش‌های پیشروی تعاونی‌های تامین نیاز مشاغل. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۶(۲۴)، ۶۷۱-۱۵۱.
- شمشاد، معصومه؛ ملک محمدی، ایرج و حسینی‌نیا، غلام‌حسین (۱۳۹۰). شناسایی و تحلیل مولفه‌های موثر بر اشتغال‌زایی در تعاونی‌های منابع طبیعی استان گلستان. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۱(۷۹)، ۱۵۶-۱۴۱.
- صفری‌پور، ابوالفضل (۱۳۸۲). بررسی عوامل فرهنگی موثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی تولیدی. *فصلنامه همیار*، ۱۷(۱۷ و ۱۸)، ۱۵۵-۱۳۸.
- صفری، سعید (۱۳۹۷). *ساخت نظریه عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها بر اساس استراتژی پژوهشی داده‌بنیاد*. رادان، تهران.
- عبدی، بیژن و کهن هوش‌نژاد، روح‌اله (۱۳۹۵). نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی.

فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۵(۱۷)، ۱۷۴-۱۴۳.

فرج‌زاده، زکریا؛ زارعی، صمد و مختاری، سهراب (۱۳۹۵). تامین مالی خرد و اشتغال‌زایی در تعاونی‌های استان فارس با تاکید بر تعاونی‌ها روستایی: ارزیابی دیدگاه اعضای تعاونی و عوامل تعیین‌کننده. روستا و توسعه، ۲۰(۲)، ۱۷۷-۲۰۱.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

فیض‌آبادی، حسین و محمدنیا، امیر (۱۳۸۷). بررسی نقش کارآفرینی و پابندی به اصول تعاون و رابطه آن‌ها با موفقیت تعاونی‌ها. خلاصه مقاله همایش ملی تعاون و کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸. تدوین جهانگیر منصور، نشر دوران، تهران.

قدسی، علی محمد و مردان‌پور شهرکردی، الهام (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و نشانه‌های اختلال شخصیت نمایشی در دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۲)، ۵۱-۶۹.

قنبری، محمود؛ ابراهیم‌زاده، علی و قاسمی، بهروز (۱۳۷۹). نهضت تعاون در ایران. انتشارات پایگان، تهران. کرباسی، علیرضا؛ آقا صفری، خانانه و حسینی، سیده‌مژگان (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر رضایت اعضای تعاونی‌های گاوداران مطالعه موردی: تعاونی‌های گاوداران مشهد. نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۲۲-۲۱۳(۳).

کرمی، شهره و آگهی، حسین (۱۳۸۹). عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌ها: مطالعه موردی تعاونی‌های تولیدی محصولات خارج از فصل استان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۲)، ۶۰-۳۱.

کوهی، کمال (۱۳۸۸). راهکارهای ارتقای فرهنگ تعاون، مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲۰(۲ و ۲۰۳)، ۱۵۶-۱۴۱.

لاچینی، محمد (۱۳۸۸). سه مشکل اقتصادی ایران و یک راه‌حل ساده. ماهنامه اقتصاد، فرهنگ و تعاون، ۱(۱)، ۹-۱۰.

لشکری، محمود؛ آگهی، حسین و حمد حیدری، شکراله (۱۳۸۶). ارزیابی مشارکتی تعاونی تولید روستایی با استفاده از رهیافت PRA مطالعه موردی: تعاونی تولید فرزیان استان لرستان. جهاد، ۲۷(۲۷۷)، ۸۳-۱۲۸.

مجردی، غلامرضا؛ شاه‌قلیان، زینب و یعقوبی، جعفر (۱۳۹۲). بررسی و تعیین موانع موفقیت تعاونی‌های دام‌پروری شهرستان خدابنده. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲(۶)، ۱۰۲-۸۵.

محمودیان، اصغر؛ نجارزاده، رضا و یآوری، کاظم (۱۳۹۶). بررسی تاثیر عوامل کلان بر شدت اشتغال رشد اقتصادی ایران. مجله اقتصادی، ۱۱۷(۳ و ۴)، ۵۲-۲۷.

مظفر امینی، امیر و رمضانی، مسعود (۱۳۸۵). ارزیابی عوامل موثر در موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغداران گوشتی استان تهران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴(۵۵)، ۸۹-۶۷.

مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن و کیش‌بافان، بی‌بی فاطمه (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت

- اقتصادی - اجتماعی در تعاونی‌های مسکن مهر و عوامل موثر بر آن در شهر مشهد در سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۴ پیاپی ۴۴)، ۱۵۲-۱۳۱.
- مولوی، زینب؛ طهماسبی، رضا؛ دانایی‌فرد، حسن؛ حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۶). بوروکراسی هراسی: نگاه دوگانه شهروندان به خدمات عمومی. *مدیریت دولتی*، ۲۹(۲)، ۲۳۴-۲۱۳.
- مهری، کریم؛ صفری، سعید و امینی بردپاره، الیاس (۱۳۹۵). مطالعه موانع توسعه تعاونی‌های مرزنشین، کشاورزی، مسکن و مصرف آموزش و پرورش و اعتبار به اتکای روش تحلیل مضمون. *فراپند مدیریت و توسعه*، ۲۹(۳)، ۱۵۰-۱۲۳.
- نکویی نائینی، سیدعلی (۱۳۸۹). مطالعه عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی شهرستان کرمانشاه. *فصلنامه تعاون و روستا*، ۲(۴ و ۵)، ۲۱۲-۱۸۵.
- نیازی، محسن؛ گنجی، محمد و کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۹۰). تبیین نگرش مردم ایران نسبت به بخش تعاون و شرکت‌های تعاونی. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۴(۱۳)، ۳۹-۱.
- نیازی، محسن و نصرآبادی، محمد (۱۳۸۵). نقش تعاونی‌ها در تامین رفاه اجتماعی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۱(۱۸۶)، ۵۹-۵۵.
- هادی‌زاده بزاز، مریم؛ شایان، حمید؛ بوزرجمهری، خدیجه و نوغانی دخت‌بهمنی، محسن (۱۳۹۲). سنجش و ارزیابی عوامل موثر در بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی، مورد: استان خراسان رضوی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲(۴ پیاپی ۶)، ۱۳۱-۱۱۵.
- یزدانی، منوچهر (۱۳۹۶). علل ناکارآمدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۶(۲۳)، ۲۱۰-۱۷۱.

ب) انگلیسی

- Banturaki, J. A. (2000). *Co-operatives and Poverty Alleviation*. Dar es Salaam, Tanzania: TEMA Publishers.
- Battilani, P. & Schröter, H. G. (2012). *The Cooperative Business Movement, 1950 to the Present*: Cambridge University Press.
- Bennedsen, M. & Wolfenzon, D. (2000). The Balance of Power in Closely Held Corporations. *Journal of Financial Economics*, 58(1), 113-139.
- Bhuyan, S. (2000). Grower and Manager Issues in Fruit and Vegetable Cooperatives. Paper presented at the NCR-194 Annual Meeting.
- Boutilier, R. (2017). *Stakeholder Politics: Social Capital, Sustainable Development, and the Corporation*: Routledge.
- Cassell, C. & Symon, G. (2004). *Essential Guide to Qualitative Methods in Organizational Research*. SAGE.
- Charmaz, K. (2005). Grounded Theory in the 21st Century: A Qualitative

- Method for Advancing Social Justice Research. *Handbook of Qualitative Research*, 3(1), 507-535.
- Corbin, J. M. & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13(1), 3-21.
- Elkington, J. (1994). Towards the Sustainable Corporation: Win-win-win Business Strategies for Sustainable Development. *California Management Review*, 36(2), 90-100.
- Ferdausy, S. & Rahman, M. S. (2009). Impact of Multinational Corporations on Developing Countries. *Journal of Business Administration*, 24(1), 111-137.
- Fulton, M. E. & Ketilson, L. H. (1992). The Role of Cooperatives in Communities: Examples from Saskatchewan. *Journal of Agricultural Cooperation*, 7(1), 15-42.
- Gilson, R. J. (2007). Controlling Family Shareholders in Developing Countries: Anchoring Relational Exchange. *Stanford Law Review*, 60, 633.
- Gugler, P. & Shi, J. Y. J. (2009). Corporate Social Responsibility for Developing Country Multinational Corporations: Lost War in Pertaining Global Competitiveness? *Journal of Business Ethics*, 87(1), 3-24.
- Ibitoye, S. J. (2012). Survey of the Performance of Agricultural Cooperative Societies in Kogi State, Nigeria. *European Scientific Journal*, 8(24), 98-114.
- Idris, N. & Abdullah, A. M. (2011). *Evaluation of Factors Affecting Agricultural Cooperatives Performance in Malaysia*. Paper Presented at the Proceedings of the 2nd International Conference on Business and Economics, Holiday Villa Beach Resort and Spa, Langkawi, Kedah.
- Kolk, A. & van Tulder, R. (2006). Poverty Alleviation as Business Strategy? Evaluating Commitments of Front-runner Multinational Corporations. *World Development*, 34(5), 789-801.
- Kristensen, P. H. & Lilja, K. (2011). *Nordic Capitalisms and Globalization: New Forms of Economic Organization and Welfare Institutions*. Oxford University Press.
- Lumpkin, G. T. & Dess, G. G. (1996). Clarifying the Entrepreneurial Orientation Construct and Linking it to Performance. *Academy of Management Review*, 21(1), 135-172.
- Mensah, J. K.; Domfeh, K. A.; Ahenkan, A. & Bawole, J. N. (2013). Policy and Institutional Perspectives on Local Economic Development in Africa: The Ghanaian Perspective. *Journal of African Studies and Development*, 5(7),

- 163-170.
- Nel, E. L. & Rogerson, C. M. (2005). *Local Economic Development in the Developing World: The Experience of Southern Africa*: Transaction Publishers.
- Novkovic, S. (2008). Defining the Co-Operative Difference. *The Journal of Socio-Economics*, 37(6), 2168-2177.
- Rao, I. (2004). *Equity to Women with Disabilities in India*. Bangalore, CBR Network.
- Robertson, M.; Collins, A.; Medeira, N. & Slater, J. (2003). Barriers to Start-Up and their Effect on Aspirant Entrepreneurs. *Education+ Training*, 45(6), 308-316.
- Russo, C.; Weatherspoon, D.; Peterson, C. & Sabbatini, M. (2000). Effects of Managers' Power on Capital Structure: a Study of Italian Agricultural Cooperatives. *The International Food and Agribusiness Management Review*, 3(1), 27-39.
- Scamp, S. (2007). *Cooperatives: Pathways to Economic, Democratic and Social Development in the Global Economy*. Washington: ODCDC.
- Sethi, S. P. (1979). A Conceptual Framework for Environmental Analysis of Social Issues and Evaluation of Business Response Patterns. *Academy of Management Review*, 4(1), 63-74.
- Shufang, Z. & Apedaile, L. P. (1998). *Co-Operative Organization In Rural Canada and the Agricultural Co-Operative Movement In China: A Comparison*. University of Saskatchewan, Centre for the Study of Co-Operatives.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1994). Grounded Theory Methodology. *Handbook of Qualitative Research*, 17(1), 273-285.
- USAID. (2003). *Coffee Co-Operatives Help Small Scale Farmers Get a Fair Trade Price Through Fair Trade and Other Specialty Coffee Markets*. Washington DC.

● Probing the Reasons Why the Goals of the Fifth Economic, Social and Cultural Development Plan Have not Been Realized in the Cooperative Sector in Iran

Saeed Saffari¹ Ph. D. Student, Cultural Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

The cooperative sector is one of the three main components of the Islamic Republic of Iran's economic system. Based on the top policies of Article 44 of the Constitution, its share of the national economy is expected to reach 25% by the end of the Fifth Development Plan. However, only 7% of this share has so far been realized. This study aims at discovering the reasons, backgrounds, processes and consequences of the cooperative sector underdevelopment. Using the subjective sampling method, first the documents available in the Ministry of Cooperative, Labor and Social Welfare were collected and analyzed. Then, the necessary data were gathered and formulated through open and deep interviews with cooperative managers, employees and experts throughout the country. Active cooperatives in different domains comprised the unit of analysis. Findings show that 'background conditions' such as general challenges and problems, and inappropriate cultural infrastructures; 'causal conditions' such as economic problems within cooperatives, absence of clear planning for the cooperative sector, human capital weaknesses within cooperatives; 'moderating conditions' such as cooperative challenges at the international stage and legal challenges in cooperatives; and 'processes' such as short-term approach to the cooperative sector and the present abnormal interactions all constitute the 'outcomes' of underdevelopment of the cooperatives sector. Also, the concept 'deterioration of social capital as the cause of stagnation of the cooperative sector' is presented under the title of 'the nucleus theme'.

Keywords: Underdevelopment of Cooperatives, Cooperative Development Obstacles, Grounded Theory, the Fifth Development Plan, Cooperative Development Stagnation.